

## جایگاه راهبرد بازدارندگی برون مرزی در منظومه دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران در آسیای جنوب غربی

محمد جواد فتحی<sup>۱</sup>

محمد رحیم عیوضی<sup>۲\*</sup>

شهره پیرانی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۴

### چکیده

میان سه مقوله تدوین راهبرد مناسب دفاعی - امنیتی، عملیاتی سازی به موقع و کلان حوزه امنیت پیوندی ناگسستگی برقرار است و از یک منظر مهم ترین کارویژه متولیان بخش نظامی - امنیتی یک کشور، گزینش و کاربست راهبرد مطلوب به منظور عینیت بخشی به امنیت سرزمینی است. ایران در گستره بحران‌زا و چالش آفرین غرب آسیا قرار دارد و مشخصاً نواحی غربی آن از دیرباز در معرض تهدیدات وجودی و پایدار قرار داشته است. تصمیم‌سازان حوزه سیاسی - دفاعی ایران علاوه بر استقرار یگان‌های کارآموده نظامی - اطلاعاتی در مناطق مرزی، اتخاذ یک راهبرد برون مرزی به منظور دور نگه داشتن تهدیدات از مرزهای بین‌المللی را اهرمی مناسب می‌پندارند که فقدان آن تأمین و تثبیت امنیت در چنین محیط بحران‌زایی را دشوار می‌سازد. سؤال اصلی پژوهش این است که راهبرد بازدارندگی برون مرزی چه جایگاهی در منظومه سیاست دفاعی - امنیتی ایران در منطقه غرب آسیا دارد؟ راهبرد برون مرزی ایران دارای چهار لایه دفاعی در عراق، سوریه، لبنان و یمن است، در این میان سپاه قدس محور شبکه را تشکیل داده و حزب الله لبنان، حشدالشعبی، انصارالله، تیپ فاطمیون و زینبیون حلقه‌های شبکه را شکل می‌دهند. این راهبرد ماهیت تهاجمی نداشته بلکه هدف پایه‌ای آن ایجاد نوعی سامانه بازدارنده و تدافعی جهت مقابله با منابع تهدید است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پیامدهای مطلوب راهبرد بازدارندگی برون مرزی نظیر مقابله با تهدید تروریسم، موازنه نامتقارن در برابر دشمنانی نظیر آمریکا و اسرائیل، تقویت عمق استراتژیک و در نهایت حفظ و تثبیت امنیت سرزمینی باعث شده تا در سیاست خارجی ایران جایگاه برجسته‌ای داشته باشد. روش پژوهش کیفی بوده، مسئله اصلی با رویکرد توصیفی - تحلیلی بررسی شده و ابزار گردآوری داده‌ها نیز فیش برداری است.

**واژگان کلیدی:** بازدارندگی برون مرزی، ایران، تصور تهدید، غرب آسیا، محور مقاومت.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی رشته مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، گرایش آینده پژوهی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران.

۲. استاد گروه علوم سیاسی و مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران.

\* نویسنده مسئول: danesh.mr@yahoo.com

۳. استادیار گروه علوم سیاسی و مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران.

۴. «این مقاله برگرفته از رساله دکتری تحت عنوان «سناریوهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و آینده تحولات غرب آسیا با توجه به پیشتران منطقه ای آمریکا» در دانشگاه شاهد بوده و استاد راهنما دکتر محمد رحیم عیوضی و استاد مشاور دکتر شهره پیرانی می باشد».

### مقدمه

مقوله دفاع و امنیت بنیان و اساس زیست فردی، اجتماعی و در مقیاس کلان محرک توسعه و پیشرفت یک کشور است. توسعه واحدهای سیاسی با هر گرایش و ایدئولوژی از مسیر عینیت یافتگی و برقراری فضای آرام و باثبات عبور می‌کند. از این نظرگاه مسئله امنیت و مصونیت سرزمینی به میزانی حائز اهمیت است که غالباً مهم‌ترین کار ویژه سیستم حکمرانی یک کشور بر روی آن متمرکز است. فقدان امنیت چه در سطح فردی و چه در مقیاس کلان اجتماعی، نوعی گرایش طبیعی یا تحمیلی به انزوا و انحطاط را به وجود می‌آورد. امروزه ضرورت شکل‌گیری سامانه یکپارچه، پیشرفته و هدفمند دفاعی، برجسته‌ترین پیشرانی است که پدیدار شدن به موقع و دقیق آن نقش ارزشمندی در قوام‌بخشی به پایه‌های قدرت ایران در غرب آسیا و چانه‌زنی در گستره جهانی ایفا می‌کند. درخور توجه است که غرب آسیا آوردگاه بی‌ثباتی‌ها و چالش‌آفرینی قدرت‌های برون منطقه‌ای است. تحت چنین شرایطی تلاش جهت مصون ساختن مرزهای سرزمینی کشور، اولین اقدامی است که در دستور کار مطالعاتی و عملیاتی تصمیم‌سازان ایران قرار گرفته است. باید توجه داشت که هسته قدرت در ایران که در حقیقت کانون‌های اصلی فکر و تصمیم‌سازی هستند تأمل جدی در خصوص ماهیت، علل بروز، امکان‌سنجی، چرایی و چگونگی هر کدام از پدیده‌های ضد امنیتی و ضد دفاعی را در اولویت قرار داده و متناسب با هر کدام از آن‌ها الگوی رفتاری ویژه‌ای تجویز و عملیاتی می‌کند. ایران از یک رانت ویژه موسوم به موقعیت برجسته استراتژیکی بهره می‌گیرد، از سوی دیگر با توجه به اینکه از نواحی غربی با تعدد و تنوع تهدیدات مواجه است، لذا تمرکز مقامات تصمیم‌ساز آن بیشتر در این ناحیه متمرکز است. پیوستار سرزمینی منابع تهدید با مرزهای رسمی کشور بزرگ‌ترین چالشی است که هم مقامات ایران از آن هراس داشته و هم اینکه دشمنان قصد جامه عمل پوشاندن به چنین مسئله‌ای دارند، لذا ایران گریزی از بهره‌مندی از یک پدافند پویا و آزموده شده با هدف دور ساختن تهدیدات از مرزهای کشور ندارند. هدف اصلی استفاده از یک استراتژی هدفمند برون‌مرزی به منظور عدم همجواری با تهدیدات قریب، ترسیم مرزهای ژئوپلیتیکی تحت عنوان عمق استراتژیک و سپس راهبرد دفاع از دور است. سؤال اصلی پژوهش این است که راهبرد بازدارندگی

برون‌مرزی چه جایگاهی در منظومه سیاست دفاعی - امنیتی ایران در غرب آسیا دارد؟ به منظور پاسخگویی بهتر به پرسش اصلی برخی سؤالات فرعی نیز مطرح شده است. از جمله اینکه ماهیت و هدف راهبرد بازدارندگی برون‌مرزی چیست؟ پیشران‌های قوام‌بخش به این راهبرد کدامند؟ این راهبرد چه پیامدهایی در پی داشته است؟ در این پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز توصیفی و تحلیلی بوده است. نقشه راه مقاله به این صورت است که در فراز اول مبانی نظری تشریح می‌گردد، سپس ذیل بخش دوم راهبرد بازدارندگی برون‌مرزی کنکاش شده، در بخش سوم محور و حلقه‌های شبکه بازدارنده بررسی می‌شود، ذیل فراز چهارم پیامدهای این راهبرد تشریح می‌گردد، در مبحث چهارم نیز تجزیه و تحلیل بحث ارائه می‌شود.

#### ۱. پیشینه پژوهش

راهبرد بازدارندگی برون‌مرزی یکی از مسائل پراهمیت در مطالعات منطقه‌ای و علوم استراتژیک است، متنها مشخصاً در این خصوص کارهای پژوهشی زیادی صورت پذیرفته است. در ادامه برخی از کارهای تحقیقاتی که با پژوهش حاضر ارتباط دارند، بررسی می‌شود.

عمرکرمی<sup>۱</sup> در پژوهشی تحت «عنوان شالوده‌شکنی و مقابله با شبکه تهدید ایران»<sup>۲</sup> بر این اعتقاد است که ایران با بهره‌گیری از شبکه نیابتی یا به اصطلاح شبکه تهدید<sup>۳</sup> خود در خارج از کشور پتانسیل قابل توجهی در نبردهای پراکنده و نیابتی کسب کرده است. کشورهای عراق، سوریه، لبنان، بحرین میدان‌هایی هستند که ایران در آن‌ها نفوذ قابل توجهی دارد. نگارنده نتیجه می‌گیرد که بخش‌های این شبکه به صورت منفرد فعالیت نمی‌کنند و در وهله اول دستور کار هدفمند و همسویی میان آن‌ها وجود دارد و از سوی دیگر با توجه به شرایط جغرافیایی و نظام سیاسی کشورهای منطقه نوع راهبرد عملیاتی

1. omer carmi  
2. deconstructing and countering the iran threat network  
3. threat network

آن‌ها متفاوت است، لذا مقابله با این شبکه تابعی از صرف هزینه‌های هنگفت و تلفات انسانی زیاد است (cameri,2017).

فیلیپ اسمیت و همکاران<sup>۱</sup> در پژوهشی تحت عنوان «برده‌برداری از انقلاب: نگاهی نزدیک‌تر به حضور و نفوذ ایران در غرب آسیا (خاورمیانه)»<sup>۲</sup> بر این اعتقادند که ایجاد نیروهای نیابتی اصلی‌ترین اهرمی است که ایران با بهره‌گیری از آن رقبای خود را به چالش می‌کشد و در عین حال از درگیری رسمی و مستقیم نظامی با آن‌ها خودداری می‌کند. نگارندگان بر این اعتقادند که عمده قدرت ایران در منطقه نیز در شبکه تحت کنترل این کشور خلاصه می‌شود. بازدارندگی غالباً در برابر اسرائیل صورت می‌گیرد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سیاست اسرائیل هم‌چنان یک متغیر پیچیده می‌باشد و اسرائیل ممکن است تصمیم به بمباران ایران بگیرد. ولی تهران هم در مقابل این تهدید، کاملاً تسلیم نمی‌شود؛ چرا که گزینه‌های تلافی‌جویانه زیادی در اختیار دارد که از طریق آن قادر است آسیب‌های جدی به این رژیم وارد سازد (Phillip Smyth and others,2016).

الکس وطن‌خواه<sup>۳</sup> در پژوهشی تحت عنوان «استفاده ایران از نیروهای نیابتی مبارز شیعه: اقتضای ایدئولوژیکی و عملی در مقابل عدم قطعیت پایدار»<sup>۴</sup> بر این اعتقاد است که ایران از زمان انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ حمایت از بازیگران غیردولتی در منطقه را در دستور کار قرار داد و اکنون در سپهر چنین اقداماتی قادر شده تا نفوذ منطقه‌ای خود را بدون حضور مستقیم و به صورت کنترل شده گسترش دهد. نگارنده از این استراتژی با عنوان مدل نیابتی<sup>۵</sup> یاد می‌کند که به صورت بی‌صدا در حال گسترش است. نگارنده در نهایت بر این اعتقاد است که ایران اکنون به میزانی از قدرت رسیده است که قادر است نقشه‌های آمریکا و غرب را در عراق و سوریه با چالش مواجه سازد (vatanka,2018).

1. phillip smyth and others
2. revolution unveiled:a closer look at iran's presence and influence in the middle east
3. alex vatanka
4. iran's use of shi'i militant proxies ideological and practical expediency versus uncertain sustainability
5. proxy mode

مسئله اصلی پژوهش حاضر از یک شکاف دانشی نشأت می‌گیرد که سایر پژوهش‌ها آن را پوشش نداده‌اند. بررسی ادبیات و پیشینه پژوهش نشانگر این است که عمده هدف آن‌ها روی بررسی گروه‌های نیابتی تحت امر ایران متمرکز است. از مطالعه تحقیقات صورت پذیرفته این نتیجه کلی حاصل می‌شود که غالباً درصدد مبرهن ساختن ماهیت، میزان حمایت و طرق کمک‌رسانی ایران به شبکه نیابتی منطقه‌ای است و کمتر بر راهبردهای کلان مد نظر استراتژیست‌های ایران پرداخته‌اند. پژوهش حاضر نیز هر چند از آورده‌های پژوهشی دیگر محققان بهره می‌گیرد از چند جهت حائز نوآوری بوده و با سایر تحقیقات متفاوت است. یکی اینکه - لاقلاً تا آنجایی که قابلیت مکتوب کردن داشته باشد - تاکنون پیرامون تبیین ماهیت، بررسی ضرورت و اهمیت و همچنین جایگاه راهبرد بازدارندگی برون‌مرزی کار مطالعاتی و تحقیقاتی عمیقی در سطح دانشگاهی و مراکز اندیشه‌های ایران، صورت نپذیرفته است. دوم اینکه بهره‌گیری هم‌زمان از دو مبنای نظری بازدارندگی شبکه‌ای و واقع‌گرایی تدافعی از دیگر فرازهای جدید پژوهش است.

## ۲. مبانی نظری

بواسطه اینکه اهداف، راهبردها، تاکتیک‌های سیاست خارجی کشورها و خوانش آن‌ها از جهان خارج چندوجهی است، بنابراین یک نظریه منفرد قادر به ارائه تبیینی درست از تمام زوایای یک مسئله نیست. پژوهش حاضر نیز به دلیل اینکه چندبعدی است، لذا محصور در یک تئوری نیست بلکه به صورت هم‌زمان از دو مبنای نظری بازدارندگی شبکه‌ای و واقع‌گرایی تدافعی بهره می‌برد.

### ۱-۲. بازدارندگی شبکه‌ای

بازدارندگی رایج‌ترین سیستمی است که کشورها جهت مقابله با تهدیدات خارجی در چرخه استراتژیک موجود به طراحی آن اقدام می‌کنند. الگوی بازدارندگی، استراتژی‌های امنیتی گوناگونی را بر اساس مؤلفه‌های امنیت ملی کشورها در هر زمان مشخص می‌نمایند. برخی مواقع حوزه‌های استراتژیکی کشور مورد تهدید قرار می‌گیرند و گاه

حوزه‌های ژئواکونومیکی و ژئوپلیتیکی، بر این اساس با توجه به نوع تهدید، کشورها به دنبال اتخاذ استراتژی متناسب با آن هستند (عباسی و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۳)؛ در شرایط کنونی نظر به اینکه کماکان صلح و ثبات در سیستم بین‌الملل و زیرسیستم‌های منطقه‌ای برقرار نشده است و رقابت‌های زیادی میان قدرت‌های جهانی و بازیگران درون منطقه‌ای وجود دارد، هر کدام در تلاش هستند تا با استفاده از اهرم‌های مختلف، اقدام به بازداشتن رقا از تهاجم علیه موجودیت خود، منافع حیاتی و همچنین متحدان راهبردی کنند. به لحاظ مفهوم‌شناسی در رابطه با بازدارندگی استراتژیکی همواره باید یک یا چند بازیگر مهاجم وجود داشته باشند و به علاوه کنشگر دیگر آن‌ها را به مثابه تهدید قلمداد کند، سپس با بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی و اتحادسازی خارجی و در راستای برخورد با تهدید متصور شده یا عینیت‌یافته اقدام به موازنه‌سازی نماید (rajmil, 2015: 396). شبکه‌سازی یکی از مصادیق بارز نظریه بازدارندگی است. سیستم بازدارندگی شبکه‌ای بر شکل‌گیری و گسترش ارتباطات درون‌شبکه‌ای<sup>۱</sup> و بین شبکه‌ای<sup>۲</sup> از جمله ارتباط بین حلقه‌ای<sup>۳</sup> و محور<sup>۴</sup> متمرکز است. در این سیستم هدف حفظ نظم مطلوب خود و جلوگیری از رفتارهای نامطلوب دشمن یا متخاصم هست. در بازدارندگی شبکه‌ای جریان ارتباطات بین حلقه‌ها و محورها برای کنترل دشمن و خنثی‌سازی اقدامات آن‌ها استفاده می‌شود. به عبارتی با تضعیف یا تقویت ارتباطات یا سمت‌گیری آن‌ها به سمت حلقه‌های خاص، در جهت ایجاد بازدارندگی بهره‌گرفته می‌شود. در شبکه‌سازی<sup>۵</sup>، هدف اساسی پیوند بین حلقه‌های مختلف و به عبارتی واحدها و حوزه‌های استراتژیکی و ژئوپلیتیکی با یکدیگر است، به گونه‌ای که در صورت حمله به نقطه‌ای خاص از آن، سایر حلقه‌ها یا نقاط تحت تأثیر قرار گرفته و عکس‌العمل آنان را برانگیزد و از این طریق هزینه دشمن شدیداً افزایش یابد و بدین سبب از حمله منصرف شود (قاسمی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۳۸). متضرر نمودن دشمن از طریق شبکه‌های کاربردی، ایجاد اختلال در شبکه و در نتیجه درگیر ساختن هم‌زمان دشمن در بحران‌های

- 
1. Inside Network
  2. Between Network
  3. Between The Ring
  4. Axis
  5. Networking

مختلف، افزایش تعداد طرف‌های درگیر در بحران و افزایش فشارهای بازدارنده بر دشمن، افزایش احتمال ائتلاف و اتحاد علیه دشمن، افزایش احتمال سرایت بحران‌ها از سطح محلی و منطقه‌ای به سایر سطوح افقی از جمله جهانی و در نتیجه بالا بردن هزینه دشمن و بازدارندگی در برابر اعمال نامطلوب آن‌ها (قاسمی، ۱۳۹۰: ۳۹۲)، جزء مهم‌ترین کاربردهای بازدارندگی شبکه‌ای است.

باید توجه داشت که بازدارندگی شبکه‌ای ذیل موازنه نامتقارن قرار می‌گیرد. به طور کلی چهار نوع موازنه سخت، سخت محدودشده، نرم و نامتقارن وجود دارد. موازنه سخت ناظر بر موازنه سنتی قدرت با استفاده از توانایی‌های نظامی و اتحاد‌های رسمی نظیر ناتو است. موازنه سخت محدود شده<sup>۱</sup> به اتحاد‌های غیررسمی یا مشارکت‌های استراتژیک متکی است؛ یعنی جایی که هماهنگی‌های نظامی میان تعدادی از کشورهای با مناطق جغرافیایی مختلف برقرار می‌شود. موازنه نرم<sup>۲</sup> نیز مبتنی بر هیچ یک از این ابزارهای نظامی نیست، بلکه در عوض بر پایه نهادها، ائتلاف‌های دیپلماتیک و تحریم‌های اقتصادی است (paul,2018). موازنه نامتقارن<sup>۳</sup> نیز به تلاش برخی دولت‌ها اشاره دارد که به لحاظ مؤلفه‌های قدرت کلاسیک در سطح پایین‌تری نسبت به قدرت‌های تهدیدکننده قرار دارند، در نتیجه به منظور بازدارندگی به سمت اتحادسازی با گروه‌های غیردولتی با دستور کار عملیاتی نامنظم و چریکی روی می‌آورند. به همین خاطر این نوع بازدارندگی ناظر بر فعالیت بازیگران غیردولتی و دولت حامی آن‌ها به منظور مقابله با منبع خطر است (Ibrahim and dawood,2013:43). بر طبق آنچه که تی وی پائول<sup>۴</sup> و همکاران اشاره می‌کنند موازنه نامتقارن در برابر آمریکا به کار برده شده است (paul and others,2004:6). از این رو یک راهبرد تدافعی، غیرتهاجمی و غیرتوسعه‌طلبانه است و یک واکنش در برابر تهدید دشمن است تا اینکه یک کنش فعالانه و عملیات ابتدایی در سرزمین‌های دیگر باشد (Allison,2009:380). نکته دیگر اینکه کنشگرانی که اقدام به چنین موازنه‌ای می‌کنند به واسطه آشنایی و اشراف اطلاعاتی بر منطقه فعالیت دشمن غالباً موفق عمل کرده‌اند.

1. limited hard balancing
2. Soft balancing
3. asymmetric balancing
4. T.V. Paul

## ۲-۲. واقع‌گرایی تدافعی

رئالیسم تدافعی بر این اعتقاد است که کشورها اغلب از توزیع قدرت موجود راضی هستند و امنیت یک کالایی است که نه تنها کمیاب نبوده بلکه به صورت فراوان در دسترس است. دولت‌ها اغلب رفتار خارجی معتدل را در پیش می‌گیرند و از توسعه طلبی‌های غیرضروری اجتناب می‌کنند. فرض مبنایی رئالیسم تدافعی این است که امنیت در کانون توجه روابط بین‌الملل قرار دارد و تحت فضای آنارشیک بین‌الملل برخی دولت‌ها اقداماتی در راستای افزایش امنیت خود انجام می‌دهند که این مسئله مساوی با کاهش امنیت دیگران کنشگران است (talialferro,2000:129). از جمله موضوعات قابل اشاره در درون رئالیسم تدافعی می‌توان به موازنه تهدید اشاره داشت که از مسئله تصور تهدید<sup>۱</sup> نشأت می‌گیرد. تصور تهدید به این معنا است که به دلیل وجود نوعی ترس از بقا و همچنین عدم اطمینان به نیت دیگر کنشگران، دولت‌ها همواره برخی برداشتهای تهدیدآمیز از منطقه جغرافیایی پیرامون خود و مشخصاً اهداف و رفتارهای رقبا و دشمنان دارند. تصور تهدید چه واقعی باشد و چه مبتنی بر برداشت و محاسبات نادرست، غالباً ترس دیگر دولت‌ها را در پی دارد و در نتیجه بر الگوهای رفتاری آنها نیز تأثیر می‌گذارد (walt,1987:37). استفان والت در تبیین رفتار سیاست خارجی کنشگران بر این اعتقاد است که دولت‌ها در برابر هر قدرتی ایجاد موازنه نمی‌کنند، بلکه موازنه در برابر دولت‌هایی صورت می‌گیرد که قدرت آنها از منظر دولت ایجادکننده موازنه، تهدیدکننده و ناامنی‌ساز نیز باشد. بر این اساس از منظر والت صرف وجود عنصر قدرت باعث ایجاد رفتار موازنه‌گرا نمی‌شود و موازنه تهدید مفهومی جامع‌تر و با قدرت تبیین‌کنندگی بالاتر تلقی می‌شود. از این رو وی یک سؤال مهم مطرح می‌سازد و آن اینکه امنیت در برابر چه چیزی صورت می‌گیرد؟ وی پاسخ می‌دهد که امنیت بیش از آنکه در برابر مقوله قدرت مطرح باشد در برابر تهدید مطرح می‌شود. به همین خاطر است که وی بین قدرت و تهدید قائل به تفکیک می‌شود (walt,2009:36). از این منظرگاه قائلان به تئوری موازنه تهدید بر این باورند که ترس از به خطر افتادن مقوله امنیت است که در بطن نگرانی‌های دولت‌ها ایفای نقش می‌کند و دولت‌ها ضرورتاً در

1. Threat Perception



برابر قدرتمندترین دولت ترس ندارند بلکه بیشتر از کنشگرانی هراس دارند که بیشتر از سایر کنشگران تهدید‌آمیز باشد (Walt, 1987: 21). از منظر والت چهار منبع متمایز تهدید شامل تراکم و انباشت قدرت، مجاورت جغرافیایی<sup>۱</sup>، قدرت تهاجمی و قابلیت‌های تهاجمی<sup>۲</sup> و اهداف و نیت خشونت‌آمیز می‌باشد (Waltt, 1985: 9-10). به باور والت الگوهای رفتار سیاسی - امنیتی کشورها از برهم‌کنش چهار مؤلفه مزبور شکل می‌گیرد.

### ۳. راهبرد بازدارندگی برون‌مرزی: ماهیت و اهداف

بررسی تاریخ معاصر غرب آسیا نشانگر این است که ناحیه غربی ایران برجسته‌ترین تهدیدها را برای این کشور در پی داشته است. در واقع این گستره بحرانی‌ترین منطقه عملیاتی برای ایران و بسیاری از کنشگران بوده است. این تهدیدها برای مدتی توسط کشورهای فرانسه و انگلیس پدیدار شده بود که متعاقب فروپاشی امپراطوری عثمانی با ترسیم نقشه مصنوعی و مرزهای استعماری<sup>۳</sup> در بخش‌های استراتژیک سرزمین عربی و در ادامه استحاله قومیتی و تقسیم نژادی بین کشورهای مختلف، منشأ تهدیدهایی برای غرب آسیا و تأثیراتی بر کشور ایران گردید. این قرارداد مطابق با منافع کشورهای استعمارگر طرح و عملیاتی شد و خواسته‌ها و مصالح مردم منطقه در آن نقش محوری نداشت. مارک سایکس و فرانسوا ژرژ پیکوت با انعقاد یک توافق پنهانی که گستره قومی عثمانی را به مناطق نفوذ انگلیس و فرانسه تقسیم کردند، وضعیت ناامنی را برای منطقه بوجود آورده‌اند (Bali, 2016: 115). با این وجود باید توجه داشت که از هنگام انعقاد این قرارداد تا زمان جنگ تحلیلی علیه ایران نواحی غربی هر چند ثبات نداشت متتها تهدید شدیدی از این گستره علیه ایران شکل نگرفته بود. وقوع جنگ تحمیلی تهدید علیه ایران را از ناحیه غربی پدیدار کرد و پس از آن نیز تهدیدهای ادواری از جمله حمله آمریکا به عراق و قرار گرفتن در مجاورت مرزهای ایران و تهدید تروریسم وجود داشته است. برخلاف برخی کشورها که از هر دو طرف توسط اقیانوس‌های وسیع محافظت می‌شود و در مرزهای جنوبی و شمالی خود دارای همسایگانی با الگوی روابط دوستانه هستند،

1. Geographic Proximity  
2. Offensive Capabilities  
3. colonial borders

ایران از هر سو در معرض آسیب‌پذیری است. دفاع روی خاک در قیاس با دفاع دریایی به مراتب سخت‌تر است؛ چرا که حمله به یک کشور از طریق دریا انرژی گسترده‌ای از کنشگر مهاجم خواهد گرفت و اساساً سیالیت و بی‌قراری دریا نیروهای متجاوز را در معرض خطر و شکست قرار می‌دهد. به همین خاطر آب یک قدرت متوقف‌کنندگی ویژه در برابر تهاجم خارجی دارد (Toft, 2004: 398). کشور مورد تهدید نیز می‌تواند به نحو بهتری دفاع را از ساحل انجام دهد. اما ایران مرزهای خاکی گسترده‌ای دارد و دفاع از تمام این مرزها کار سخت و پرهزینه‌ای است. این مسئله زمانی اهمیت پیدا می‌کند که در نظر داشت که ایران از سوی مرزهای دریایی در معرض تهدید جدی و قریب نمی‌باشد و قادر است راهبرد دفاع ساحلی را از فواصل دورتر و با صرف هزینه مالی و تلفات کمتر انجام دهد. اما این مسئله در خصوص نواحی زمینی ایران صدق نمی‌کند و شرایط سرزمینی و ماهیت تهدیدات نیز در قیاس با مخاطرات متصور از شرق و سواحل کشور متفاوت است. در خصوص مرزهای شرقی ایران نیز باید گفت که تهدیدات این ناحیه چندوجهی نمی‌باشد؛ زیرا سرزمین‌های افغانستان و پاکستان در قیاس با کشورهای عراق، سوریه، لبنان و فلسطین اهمیت به مراتب کمتری برای آمریکا و کشورهای اروپایی و رژیم صهیونیستی دارد، لذا حضور تهدیدآمیز کمتری دارند، از طرفی پیوندهای فرهنگی و زبانی که ایران با کشورهای شرقی دارد تصور تهدید را تا حد زیادی کاهش داده است، منتها این مسئله در خصوص مرزهای غربی صدق نمی‌کند. به همین خاطر ایران در قیاس با سطح تهدید به مراتب کمتر از سوی مرزهای شرقی، نقش‌آفرینی فراسرزمینی بیشتری در حوزه مرزهای غربی را در دستور کار قرار داده است. این مسئله نشان می‌دهد که همه کشورها از جمله ایران دارای دغدغه‌ها و منافع استراتژیکی اساسی<sup>۱</sup> هستند که فراتر از ایدئولوژی و غالباً ناشی از جغرافیا است (Jaffe, 2020: 45). دغدغه‌های کلان امنیتی نشأت گرفته از تصور تهدیدات برون‌سرزمینی، ایران را به نقش‌آفرینی برون‌مرزی ناگزیر ساخته است.

ذیل سیاست ایفای نقش فرامرزی قرائت و نظر یکسانی در ایران وجود ندارد؛ یک نگرش در داخل کشور وجود دارد که مخالف اقدامات فرامرزی ایران بوده و بر این

1. core strategic interests

اعتقادند که دفاع از امنیت را باید از مرزهای جغرافیایی شروع کرد. استدلال طیف دیگر این است که به منظور افزایش ضریب امنیتی بایستی مرزهای دیگری تحت عنوان مرزهای ژئوپلیتیکی نیز در ورای مرزهای رسمی ترسیم کرد. در همین رابطه ری تکیه<sup>۱</sup> از زمره مشاوران برجسته امنیت ملی دولت باراک اوباما در کتابی تحت عنوان ایران مخفی<sup>۲</sup> می‌گوید: «در ایران قدرت بین مراکز قدرت و مشخصاً بین دو طیف تقسیم شده است. نگاه اول، ایران را بدون مرز می‌نگرد، محدود به جغرافیا و چارچوب سرزمینی نمی‌بیند و نگاه دوم، با تقلیل‌گرایی به دنبال محدود شدن اقدامات ایران به داخل است و صرفاً رویکرد ملی‌گرایانه دارد. برای مبارزه با ایران فقط سیاست کنترل تسلیحات کافی نیست، بلکه با کمک طیف دوم باید با ایران ایدئولوژیک جنگید و آن را مهار کرد. صرفاً با تعارض و تضاد و اصطکاک که طیف دوم بر سر راه طیف آرمانگرا می‌گذارد ایران کنترل می‌شود» (takeyh,2007:12). در واقع یک جدل نگرشی وجود دارد، یک طیف بر این اعتقاد هستند ایران رو به گسترش<sup>۳</sup> و فعال در سرزمین‌های خارجی دارای قابلیت بازدارندگی و توان رویارویی با تهدیدهای خارجی خواهد بود و در صورت عدم نقش‌آفرینی برون‌مرزی یک ایران منفعل<sup>۴</sup> شکل خواهد گرفت که در صورت مورد حمله قرار گرفتن قدرت تلافی کردن نخواهد داشت (mohseni and ahmadian,2018). با توجه به اینکه طرح‌ریزی سیاست‌های غرب آسیا در سطح راهبردی و فراجناحی صورت می‌گیرد، لذا ایران مطابق تهدیدات موجود یک استراتژیک کاملاً هدفمند و عملیاتی تحت عنوان راهبرد بازدارندگی برون‌مرزی یا ابتکار دفاع چهار لایه‌ای را تدوین و عملیاتی ساخته است. این راهبرد از یک ضرورت ویژه نشأت می‌گیرد؛ به تعبیری برگرفته از گریزناپذیری اتخاذ یک ساز و کار مستحکم و پایدار به منظور خنثی ساختن تصور تهدید ناشی از گستره غرب کشور است. مضاف اینکه این راهبرد مبتنی بر ایده عدم همسایگی با دشمن است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در این خصوص بیان می‌دارند که: «عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با

1. Ray Takeyh  
2. Hidden Iran  
3. expanding  
4. passive

دشمن: این هر سه، شاخه‌هایی از اصل عزت، حکمت و مصلحت در روابط بین‌المللی اند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۶).

راهبرد بازدارندگی برون‌مرزی چهارلایه‌ای از مرزهای سرزمینی یا مرزهای جغرافیایی ایران شروع شده و تا کرانه‌های دریای مدیترانه و تنگه باب‌المندب امتداد می‌یابد. در واقع در بخشی ترسیم شده که مقامات ایران عمق استراتژیکی خود را تا آنجا معرفی کرده‌اند. لایه دفاعی اول این استراتژی از مرزهای جغرافیایی و رسمی ایران آغاز شده و شامل بخش‌های از خاک عراق می‌شود. به لحاظ اولویت‌سنجی این لایه مهم‌ترین و حیاتی‌ترین بخش راهبرد برون‌مرزی است. کانون توجه استراتژیست‌های ایران نیز عمدتاً بر این بخش متمرکز است. لایه و حفاظ دفاعی دوم از از بخش‌های غربی بغداد شروع شده و با عبور از بخش‌های سنی نشین عراق وارد سوریه شده و تا بلندهای جولان را پوشش می‌دهد. اهمیت این سنگر اگر چه از لایه اول بیشتر نباشد بدون تردید کمتر نیست؛ چرا که سرزمین سوریه حلقه واصل لایه اول با لایه سوم است. چنانچه دچار فروپاشی شود لایه دفاعی سوم نیز در معرض خطر وجودی قرار می‌گیرد و عملاً ایران راهبرد برون‌مرزی خود را با یک لایه فعال می‌کند. آنچه‌ی که این لایه را تقویت می‌کند ملاحظات ژئوپلیتیکی مشترک سوریه و ایران نسبت به وجود دشمن و تهدید مشترک و نگرانی از محاصره شدن توسط رژیم‌های مخالف است. در واقع ائتلاف مخالفان آن‌ها از جمله رژیم صهیونیستی، آمریکا، عربستان و امارات اتحاد این دو کشور را تقویت<sup>۱</sup> کرده است. لایه دفاعی سوم نیز بلندهای جولان و سرزمین لبنان را در بر می‌گیرد. این لایه یک اهرم بازدارنده در برابر تهدید رژیم صهیونیستی است. راهبرد ایران در برابر تهدید رژیم صهیونیستی مبتنی بر این ایده است که بهترین دفاع<sup>۲</sup> در اختیار داشتن قابلیت حمله خوب<sup>۳</sup> است (Pan, 2006: 9). مقصود از حمله خوب در اختیار داشتن یک سنگر بازدارنده مستحکم و رزمندگان بدون مرز در کنار مرزهای رژیم صهیونیستی است. واقعیت این است که تا قبل از وقوع بحران در حلقه دفاعی دوم، ارتباط ایران با شرق مدیترانه با سهولت و هزینه به مراتب کمتر صورت می‌گرفت و

1. reinforces  
2. best defense  
3. good offens

آزادی عمل بیشتری جهت نقش‌آفرینی در مسائل شرق مدیترانه داشت ( bartell and gray,2012:136). منتها بحران سوریه حتی حلقه سوم را تهدید می‌کند؛ زیرا از بین رفتن نفوذ ایران در حلقه دوم، بدون تردید پایداری نفوذ ایران در حلقه سوم یا مناطق واقع در شرق مدیترانه و چانه‌زنی در مسائل لبنان را نیز با تردید جدی مواجه خواهد ساخت و نهایتاً با از دست رفتن لایه‌های بازدارنده دفاعی ایران در سوریه و لبنان، دشمنان و رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قادر خواهند بود به تدریج به مرزهای ایران نزدیک شوند. هر چند اولویت اول نگهداشت و حفظ امنیت در سنگر اول است، منتها به صورت همزمان تقابل با گروه‌های تکفیری در لایه دفاعی دوم و تقویت بازوی بازدارندگی در برابر اسرائیل - در سنگر سوم انجام می‌شود (Goldman and Bruton,2018). لایه بازدارنده چهارم در یمن تعریف شده است، این لایه نیز دقیقاً در حیاط خلوت یکی از رقبای منطقه‌ای یعنی عربستان دائر شده است، چنین لایه یک هشدار بازدارنده برای عربستان سعودی و متحدان این کشور است که از بحران‌آفرینی در مرزهای ایران خودداری کنند، با توجه به اهمیت تنگه باب‌المندب، خلیج عدن و دریای سرخ در تجارت دریایی ایران قطعاً حفظ آن برای ایران نیز حیاتی است. نقشه ذیل نشانگر راهبرد بازدارندگی برون‌مرزی چهارلایه است.



منبع: نگارندگان

نقشه ۱. راهبرد بازدارندگی برون مرزی چهارلایه‌ای ایران در غرب آسیا

راهبرد بازدارندگی برون مرزی نوعی جهاد دفاعی در برابر عناصر تهدیدآمیز است که قصد حمله یا نزدیکی تدریجی به هدف خود یعنی سرزمین ایران را دارند. درخور توجه است که حضرت علی (ع) ذیل خطبه ۲۷ نهج البلاغه چنین بیان می‌دارند که: «هر کس جهاد را از باب بی‌اعتنایی ترک کند خداوند بر او جامه ذلت بپوشاند، و غرق بلا نماید، و به ذلت و خواری و پستی گرفتار آید. به خدا قسم هیچ ملتی در خانه‌اش مورد حمله قرار نگیرد مگر اینکه دلیل شد.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۷). راهبرد برون مرزی ایران مصداق بارز ایده دفاع از دور یا ایستادگی در برابر دشمن به منظور ایجاد امنیت برای کشور است. عقلانیت راهبردی حکم می‌کند که قبل از رسیدن عناصر تهدیدآمیز به مرزهای سرزمینی ایران در مقابل آن‌ها ایستاد. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این خصوص بیان می‌دارند که: «جمهوری اسلامی از مؤلفه‌های قدرت قطعاً دست نخواهد کشید که یکی از مؤلفه‌های قدرت، نیروی دفاعی است؛ دفاع از دور. یکی از مؤلفه‌های قدرت، نیروی دفاعی است؛ یکی از مؤلفه‌های قدرت، عمق راهبردی ما است. حضور در کشورهای منطقه و طرف‌داری ملت‌های منطقه از جمهوری اسلامی، عمق راهبردی

جمهوری اسلامی است؛ جمهوری اسلامی از این نمی‌تواند صرف‌نظر کند؛ هیچ دولت عاقلی صرف‌نظر نمی‌کند» (بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۲/ ۳/ ۱۳۹۷). ایران با بهره‌گیری از سنگرهای دفاعی برون مرزی خود قادر خواهند بود کاستی‌های خود در حوزه توانایی‌های متعارف نظامی را جبران کنند و همچنین میزان هزینه مالی و انسانی احتمالی را کاهش دهد. لایه‌های دفاعی در این استراتژی هر کدام به مثابه یک خاکریز دفاعی برای تقویت عقبه استراتژیک ایران ایفای نقش می‌کنند. این خاکریزها حکم سنگرهای بازدارنده دفاع موزائیکی را خواهند داشت که در برابر منابع تهدید قرار دارند. نوع عملکرد این شبکه پیچیده و لایه لایه است، در صورت قصد منابع تهدید جهت حرکت و تهاجم به سمت خاک ایران به صورت گریزناپذیری باید از درون این لایه‌ها عبور کنند. گذر از لایه‌های چندگانه برای یک کشور مهاجم دشوار و پرهزینه است. باید توجه داشت که این امکان وجود دارد که یک مهاجم از درون این لایه‌ها عبور کند و به سرزمین اصلی برسد منتها در محاصره قرار خواهد گرفت. همین مسئله باعث شده که این استراتژی نامتقارن و غیرکلاسیک از یک سلاح متعارف و فوق پیشرفته مفیدتر عمل کند.

نقش آفرینی و تمرکز جدی ایران در کشورهای عراق، سوریه، لبنان و یمن نشانگر این است که این کشور دارای منافع استراتژیکی زیادی در این بخش است که بایستی مورد توجه دیگر کنشگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار بگیرد (vakil and quilliam, 2019:28). نکته مهم دیگر در خصوص راهبرد برون مرزی این است که ذیل نبردهای نامتقارن تعریف می‌شود. جنگ نامتقارن مسئله‌ای نیست که نیروهای متعارف در آن به پیروزی نائل آیند. این استراتژی به واسطه اینکه لایه‌ای است در نتیجه قادر است هنگام وقوع درگیری، عناصر تهدیدزا را به تدریج در احاطه قرار دهد و بوسیله سلسه عملیات‌های نامنظم آسیب‌های جدی به آن وارد سازد. باید بیان داشت که این استراتژی مسبوق به سابقه است و مختص به زمان کنونی نیست. در همین رابطه امام خمینی (ره) نیز می‌فرماید: «اگر ما در محیطی در بسته بمانیم، قطعاً با شکست مواجه خواهیم شد» (خمینی، ۱۳۶۰: ۲۰۲). ایران هنگام مواجه با چالش‌های منطقه‌ای در کوتاه‌ترین زمان ممکن این استراتژی را عملیاتی می‌کند و بدون مداخله مستقیم در درگیری‌ها اهداف

خود را پیگیری می‌کند. این استراتژی آستانه خودکنترلی<sup>۱</sup> ایران را به شدت ارتقاء می‌دهد و تا حد ممکن از به کار گیری قدرت متعارف خودداری می‌کند (shanker and others, 2019: 11-38). به طور کلی لایه‌های چهارگانه بازدارندگی برون مرزی در چهار کشور ذیل ترسیم شده است:

**عراق:** اولین لایه راهبرد بازدارندگی برون مرزی در گستره‌ای طراحی شده که می‌توان از آن تحت عنوان خارج نزدیک ایران<sup>۲</sup> یاد کرد. باید توجه داشت که کشورها غالباً مناطقی را به عنوان خارج نزدیک معرفی می‌کنند. این اصطلاح ناظر بر راهبردی‌ترین سرزمین همجوار یا گستره بلافاصله فرامرزی است که در اولویت سیاست خارجی قرار دارد. خارج نزدیک کشورها معمولاً شامل مناطقی است که به لحاظ جغرافیایی دغدغه‌های حیاتی در خصوص آن وجود داشته باشد. به واسطه اینکه این مسئله در خصوص نگاه ایران به عراق صدق می‌کند و خصوصاً اینکه اکثریت جمعیت این کشور را شیعیان تشکیل می‌دهد، ایران تمرکز جدی روی عراق دارد (Maoz, 2017). تحولات حادث در این ناحیه برای مقامات ایران غالباً حیاتی بوده و تفسیر به شدت تهدید محور نسبت به آن دارند؛ چرا که بسیاری از پایگاه‌های آمریکا در عراق و مرز با سوریه و همچنین شمال سوریه فعال هستند، عمده فعالیت رژیم صهیونیستی نیز بر روی چگونگی کاهش عمق استراتژیک ایران و نزدیکی و مجاورت با مرزهای ایران متمرکز است. عراق به واسطه پیوستار سرزمینی با ایران و موقعیت پیونددهنده با دیگر لایه‌های راهبرد برون مرزی، به لحاظ اعتبارسنجی و اولویت‌گذاری مهم‌ترین کشور است. عراق عمق استراتژیک و حائل مهمی در برابر آمریکا، رژیم صهیونیستی، عربستان سعودی و سایر کشورهای عربی ناهمسو است. نفوذ در عراق با مسئله بقا پیوند دارد. ایران می‌خواهد تضمین کند که دیگر هیچ تهدید وجودی<sup>۳</sup> از جانب عراق برای منافع‌اش ظهور پیدا نخواهد کرد (Bazzi, 2020). از سوی دیگر دولت مستقر در عراق پیشران بسیار مهمی است که در تعدیل، تضعیف یا تقویت راهبرد برون مرزی ایران مفید/مضر خواهد بود. حفظ و تقویت نفوذ در عراق نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست‌های منطقه‌ای ایران دارد (byman and moller, 2016: 14). همانطور که اشاره شد

1. self-control  
2. Iran's near abroad  
3. existential threat



تداوم همسویی راهبردی/تضعیف مراودات دولت مرکزی عراق با ایران نقش حیاتی در ادامه فعالیت/تضعیف موقعیت گروه‌های همسو با ایران دارد. به واقع در صورتی که دولتی ناهمسو بر قدرت قرار گیرد و رویکرد خصمانه‌ای مشابه رویکرد دوره صدام را در قبال ایران در پیش بگیرد چالش جدی در سیاست بازدارندگی برون‌مرزی ایجاد می‌شود. این مسئله ممکن است پیوستار سرزمینی که اکنون میان سه لایه برقرار شده است را قطع کند.

**سوریه:** کشور سوریه عمق استراتژیکی<sup>۱</sup> حیاتی ایران در شام به شمار می‌رود، این دو کشور یکی از طولانی‌ترین اتحادهای منطقه غرب آسیا را شکل داده‌اند. سوریه به ایران امکان می‌دهد که قدرت منطقه‌ای خود را از طریق شام<sup>۲</sup> عملی کند و دروازه‌ای<sup>۳</sup> به سوی حزب‌الله داشته باشد. سنگر سوریه پشتوانه و قوام‌بخش لایه بازدارنده واقع در کرانه‌های دریای مدیترانه در برابر رژیم صهیونیستی است. در حقیقت کشور سوریه می‌تواند به عنوان یک ایجاد منطقه حائل<sup>۴</sup> و یا سپر و حفاظ برای سرزمین اصلی ایفای نقش کند. از سوی دیگر نفوذ بیشتر ایران در سوریه، منجر به گسترش حوزه‌های نفوذ این کشور و وسعت یافتن جغرافیایی درگیری با رقبایی نظیر عربستان و آمریکا خواهد شد و آن‌ها را از تنش‌آفرینی در مناطق پیرامونی ایران همچون عراق، افغانستان، پاکستان، ترکمنستان، آذربایجان در بلندمدت بر حذر خواهد داشت. مهدی طائب فرمانده قرارگاه عمار در همین رابطه می‌گوید: «سوریه استان ۳۵ ایران است اگر ما آن از دست دهیم. قادر به نگه‌داشتن تهران نخواهیم بود» (sadjadpour,2018:1). تأکید وی روی این مسئله حاکی از اهمیت سوریه جهت دور نگه‌داشتن دشمن از مرزهای بین‌المللی و سرزمین ایران است. در صورتی که ایران تنها متحد خود در منطقه را از دست بدهد، این احتمال وجود دارد که با کاهش چشمگیر و فزاینده نفوذ استراتژیک خود در غرب آسیا مواجه شود (yan,2013:6). اقدام ایران در راستای جلوگیری از سقوط دولت اسد را از نظرگاه ایجاد بازدارندگی<sup>۵</sup> و نزدیکی به خطوط قرمز<sup>۶</sup> اسرائیل می‌توان تبیین کرد. سقوط اسد منجر به پیشینه‌سازی امنیت و قدرت اسرائیل می‌گردد؛ (byman and moller,2016:14) و بالعکس قدرتمندی

1. strategic depth  
2. Levant  
3. gateway  
4. Buffer Zone  
5. deterrence  
6. red lines

سوریه بیشینه‌سازی امنیت و سطح قدرت ایران را در پی دارد؛ زیرا به همان صورت که اسرائیل درصدد تقویت روابط خود با کشورهای آذربایجان، ترکمنستان و اقلیم نیمه خودمختار کردستان عراق است و این مسئله را به عنوان ورود به حیاط‌خلوت ایران دارد، ایران نیز تلاش می‌کند با ورود به حیاط‌خلوت رژیم اسرائیل نوعی اهرم بازدارنده را در برابر تلاش‌های و اقدامات این رژیم ایجاد کند. سقوط بشار اسد آینده حزب‌الله را که به عنوان اهرمی بازدارنده نامتقارن<sup>۱</sup> در برابر حمله احتمالی اسرائیل به ایران عمل می‌کند تهدید می‌کند (azodi and arman, 2018:65). سوریه محور ژئوپلیتیکی و سنگر قوام‌بخش مبارزه حزب‌الله علیه اسرائیل است. اگر رژیم سوریه سقوط کند کریدور اصلی ایران به منظور کمک به مهم‌ترین و نزدیک‌ترین حربه بازدارنده خود در مقابل رژیم صهیونیستی یعنی حزب‌الله با دشواری‌های شدیدی مواجه خواهد شد (nader, 2015). علی اکبر ولایتی، مشاور عالی رهبر انقلاب اسلامی در این خصوص می‌گوید: «سوریه ستون مهم محور مقاومت است. این محور از تهران آغاز می‌شود و تا بغداد، دمشق، بیروت و فلسطین امتداد می‌یابد. این محور مقاومت در برابر مهاجمین وابسته به اسرائیل و آمریکا است. نیروهای تحت رهبری ایران همچنان رویارویی آمریکا و متحدانش بر روی زمین را ادامه خواهند داد و هرچه زمان بیشتر می‌گذرد، احتمال پیروزی جبهه مقاومت افزایش می‌یابد» (majidyar, 2018). باید بیان داشت که اگرچه نفوذ ایران در لبنان و تشکیل حزب‌الله بزرگ‌ترین برگ برنده این کشور در اتحادسازی فرامرزی است، سقوط دولت سوریه و جایگزینی آن با یک دولت ناهمسو با منافع منطقه‌ای ایران می‌تواند بزرگ‌ترین شکست خارجی بعد از انقلاب اسلامی قلمداد شود.

**یمن:** کشور یمن با موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی منحصر به فرد و همچنین وجود جمعیت زیدی در این کشور اهمیت ویژه‌ای برای ایران دارد، تقویت جایگاه متحدان ایران در این کشور یک سرمایه استراتژیکی محسوب می‌شود. یمن کنترل بنادر، جزایر سوق الجیشی و تنگه راهبردی باب المندب را در اختیار دارد که نقش مهمی در تجارت دریایی ایفا می‌کند. تسلط متحدان منطقه‌ای ایران بر تنگه باب‌المندب یکی از مسائلی است که عمق استراتژیکی و سطح نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا را ژرفا

---

1. asymmetric deterrent

می‌بخشد (فتحی و جهان‌بین، ۱۳۹۸: ۲۱۲). بالعکس کاهش تدریجی نفوذ ایران در یمن و تسلط محور تهدید عبری، عربی و غربی بر مناطق راهبردی یمن به ویژه تنگه باب‌المندب، خلیج عدن، جزایر سوکوترا، زقر، حنیش و کمران یک خطر جدی برای تجارت دریایی ایران محسوب می‌شود.

**لبنان:** موقعیت منحصر به فرد جغرافیایی لبنان و نقش و جایگاه تأثیر گذار آن در منازعه فلسطین و اسرائیل و همچنین وجود حزب‌الله جایگاه این کشور را برای ایران حیاتی ساخته است. لبنان غالباً صحنه رقابت و رویارویی قدرت‌های منطقه‌ای و برون منطقه‌ای بوده است. جبهه عبری، عربی و غربی به صورت پیوسته مخالفت خود را با نفوذ و حضور ایران در لبنان اعلام کرده‌اند؛ چرا که لبنان لایه سوم بازدارنده ایران در برابر اسرائیل را تشکیل می‌دهد. حضور ایران در لبنان عملاً رژیم صهیونیستی را فاقد عمق استراتژیک ساخته است.

#### ۴. عناصر قوام بخش راهبرد بازدارندگی برون‌مرزی

طرح و پیاده‌سازی هر ایده استراتژیکی تابعی از وجود پیشران‌ها و عناصر محرکه‌ای است که در نقش بازیگران کلیدی جهت عملیاتی نمودن ایده‌ها متمرکز واقع شوند. در صورتی که حکمرانان علاوه بر ایده‌های مطلوب نیروهای کارآزموده‌ای به منظور پیش‌بری طرح‌های راهبردی داشته باشند غالباً پیامدها نیز مفید است. عناصر قوام‌بخش راهبرد بازدارندگی برون‌مرزی از دو بخش محور و حلقه‌ها تشکیل شده است:

##### ۴-۱. محور: سپاه قدس

نیروی قدس به عنوان یک واحد شناخته شده ناشناس<sup>۱</sup> بخشی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است که غالباً رویکردی فراملیتی، فرامرزی و فرامنطقه‌ای دارد. این نیرو حامل عملیاتی ساختن بخشی از رسالت دفاعی - امنیتی ایران است. در واقع این نیرو هم‌زمان با ایجاد شبکه‌های بازدارنده و تلافی‌جویانه در غرب آسیا، در مناطق عملیاتی نیز حضور

1. known unknown

یافته و به نوعی راهبر اصلی دکترین دفاع موزاییکی<sup>۱</sup> ایران است (Lim,2012). افراد حاضر در این یگان به واسطه شرکت در دوره‌های عملیات ویژه از تجربه، مهارت و کیفیت بسیاری بالایی در دفاع از امنیت سرزمینی و منافع برون‌مرزی ایران برخوردار هستند. نیکولاس هراس<sup>۲</sup> کارشناس مرکز امنیت نوین آمریکا در مقاله‌ای تحت عنوان ستون پنجم عراق: شبکه نیابتی ایران<sup>۳</sup> در خصوص سپاه قدس می‌گوید: «نیروی قدس اساساً سازمانی است که جنگ‌های نامنظمی<sup>۴</sup> را انجام می‌دهد، غالباً جنگ‌های نامتقارن و عملیات دفاع ملی خارجی<sup>۵</sup> را در هم می‌آمیزد. از این لحاظ با نیروهای ویژه ارتش آمریکا تفاوتی ندارد. عراق و از سال ۲۰۱۱ سوره عرصه‌های مهمی برای نیروهای قدس است» (heras,2017:3). کار ویژه اصلی این ارتش کوچک و متحرک ورود به لایه‌های بازدارنده برون‌مرزی ایران در نواحی مختلف در گستره غرب آسیا است. تشکیل این شاخه از سپاه نشان می‌دهد ایران دامنه اهداف خود را در ماورای جغرافیای سرزمینی تعریف کرده است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در خصوص اهمیت عملیات فرامرزی شاخه سپاه قدس بیان می‌دارند که: «این نگاه وسیع جغرافیای مقاومت را از دست ندهید؛ این نگاه فرامرزی را از دست ندهید. این جوری نباشد که یک چهاردیواری را انتخاب کنیم و دیگر کارمان به این نباشد که پشت این دیوار چه کسی است، چه تهدیدی وجود دارد. این نگاه وسیع فرامرزی، این امتداد عمق راهبردی گاهی اوقات از واجب‌ترین واجبات کشور هم لازم‌تر است که مورد توجه قرار بگیرد» (دیدار فرماندهان سپاه با رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۰/۷/۱۳۹۸).

عده‌ای بر این باور بودند که سپاه قدس به واسطه عدم آشنایی با شرایط جغرافیایی و توپوگرافی غرب آسیا شکست خواهد خورد، منتها باید گفت این گروه به همان میزان که بر سرزمین ایران اشراف دارد، به میزانی وسیع‌تر از آن بر فضای سرزمینی غرب آسیا و بالأخص عراق، سوریه و لبنان اشراف کافی دارد. نکته دیگر اینکه اقدامات یگان‌های قدس صرفاً محدود به عملیات نظامی و میدانی نیست، بلکه راهبردهایی از جمله

1. mosaic homefront-defense doctrine
2. Nicholas A. Heras
3. Iraq's Fifth Column: Iran's Proxy Network
4. irregular warfare
5. Foreign Internal Defense (F.I.D.)

آموزش، سازماندهی، توجیه، انتقال تجربه و پشتیبانی از گروه‌های بومی همسو نیز در دستور کار هسته علمی، مطالعاتی و اجرایی آن قرار دارد. ایران از طریق سپاه قدس برنامه توسعه طلبانه در غرب آسیا ندارد، بلکه از دستاوردهای دیرینه خود در عمق استراتژیکی‌اش دفاع می‌کند. سپاه قدس به عنوان محور اجرایی راهبرد مذکور درصدد است که مبارزه را در حد امکان به مرز دشمن و منابع تهدید نزدیک کند ( behravesh and caferio,2019:3). محمد حجازی جانشین فرمانده نیروی قدس در خصوص رویکرد برون‌مرزی می‌گوید: «آیا بهتر نیست که به خارج از کشور خود برویم و با دشمن بجنگیم به جای این که دشمن به داخل بیاید و با هزینه چند برابر با او بجنگیم. اکنون اروپا میلیاردها دلار پول هزینه می‌کند تا اجازه ندهد که داعش به کشورشان وارد شود» (mashreghnews,1398). یکی از شارحان نظری و عوامل میدانی راهبرد برون‌مرزی سردار قاسم سلیمانی فرمانده سابق سپاه قدس بود که در ۳ ژانویه سال ۲۰۲۰ توسط آمریکا در لایه اول دفاعی ترور سیاسی<sup>۱</sup> شد. استنباط مقامات اطلاعاتی و نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی مبتنی بر این ایده بود که با ترور فرمانده نیروهای سپاه قدس قادر خواهند شد که شکاف بزرگی<sup>۲</sup> در استراتژی منطقه‌ای ایران ایجاد کند و مضاف اینکه ضربه جدی بر قدرت مقاومتی نیروهای واقع در لایه اول و در ادامه لایه‌های دفاعی دوم و سوم وارد سازند. بنا به اذعان بسیاری از محافل غربی قاسم سلیمانی قوی‌ترین و خطرناک‌ترین ژنرال برای منافع و برنامه‌های آمریکا در غرب آسیا به شمار می‌آمد. تجربه جنگی و نقش ارزنده در سرکوب گروه‌های تکفیری باعث شده بود تا محافل غربی از وی به عنوان دشمنی یاد کنند که هم مورد تنفر و هم مورد تحسین باشد. در همین رابطه جان مگوایر<sup>۳</sup> افسر سابق سازمان سیا در خصوص وی می‌گوید: «او قوی‌ترین مأمور مخفی در خاورمیانه است» (filkin,2013). در همین رابطه مقام معظم رهبری در خصوص سپاه قدس بیان می‌دارند که: «سپاه قدس را به عنوان یک مجموعه و سازمان اداری صرفاً نبینیم؛ بلکه به عنوان یک نهاد انسانی و دارای انگیزه‌های بزرگ و روشن انسانی مشاهده کنیم. سپاه قدس یک نیرویی است که با سعه صدر به همه جا و

1. political assassination  
2. oversized gap  
3. john Maguire

همه کس نگاه می‌کند. رزمندگان بدون مرزند! رزمندگانی که هر جا نیاز باشد، آن‌ها در آنجا حضور پیدا می‌کنند؛ کرامت مستضعفان را حفظ می‌کنند، خود را بلاگردان مقدّسات و حریم‌های مقدّس می‌کنند همین‌ها سایه جنگ و ترور را از کشور خودمان هم دفع می‌کنند. به کمک غزه و فلسطین می‌روند اما برای خودمان هم امنیت ایجاد می‌کنند» (بیانات مقام معظم رهبری در نماز جمعه، ۲۷/۱۰/۱۳۹۸). سپاه قدس به صورت غیرقانونی اقدام به مداخله در امور دیگر کشورها نمی‌کند بلکه عمدتاً با دعوت رسمی از سوی دیگر کشورها نیروهای خود را به حالت عملیاتی در می‌آورد. این نیروی بازدارنده در شکل‌دهی به امنیت در منطقه غرب آسیا نقش اساسی ایفا کرده است. نشریه فارین پالیسی در این خصوص می‌گوید: «منابع غربی معتقدند نیروی قدس نقش مهمی در دادن قدرت نظامی به حزب‌الله لبنان، عقب راندن اسرائیل از جنوب لبنان، جنگ افغانستان، شکل‌دهی به فضای سیاسی عراق پس از سرنگونی رژیم صدام، تغییر روند جنگ داخلی سوریه و مقابله با داعش در عراق داشته است» (foreignpolicy, 2014).

#### ۴-۲. حلقه‌های شبکه بازدارندگی

در نیم قرن اخیر اتحادسازی‌ها از حالت بین دولتی خارج شده و با ظهور گروه‌های فراملی و فراملی ائتلاف‌های نوظهوری بین بازیگران دولتی و غیردولتی شکل گرفته است. در شرایطی که عمده تمرکز جبهه غربی بر اتحادسازی با کنشگران عربی و بعضاً ریزدولت‌های این منطقه متمرکز است، ایران نیز الگوی اتحاد و پیمان‌سازی با بازیگران نیابتی و غیردولتی در مقیاس منطقه‌ای را در دستور کار قرار داده است (levitt, 2020: 24). ایران با ترکیب توانایی‌های دفاعی و امنیتی در حوزه متعارف و غیرمتعارف استراتژی پیچیده‌ای را ارائه کرده است. توانایی متعارف ایران بیشتر متمرکز بر صنایع نظامی به منظور بازدارندگی و حمله متقابل علیه منابع تهدید است. از سوی دیگر ایران در حوزه نامتعارف سعی کرده تا قابلیت جنگ‌های نامتقارن<sup>۲</sup> و فرامرزی را تقویت و گسترش دهد. ماحصل تلاش‌ها در حوزه نامتعارف این بوده که اکنون از یک

1. Fighters Without Borders  
2. unconventional warfare

شبکه نفوذ<sup>۱</sup> مؤثر و با قابلیت عملیاتی سریع در گستره غرب آسیا بهره می‌گیرد (Uskowi, 2018). این مسئله یک مزیت استراتژیک به شمار می‌رود و ایران را در زمره پیشگامان موفق در طراحی و عملیاتی ساختن استراتژی شبکه‌سازی نیابتی قرار داده است. حمایت و تقویت شبکه‌های متحد و نیابتی مقرون به صرفه‌ترین مسیر برای ایران جهت پیگیری و نیل به اهداف منطقه‌ای است. در همین رابطه افشون استوار<sup>۲</sup> می‌گوید: «تهران در مقایسه با نزدیک‌ترین رقبای همتای خود در منطقه، هزینه‌های کم‌تری را جهت دفاع از مواضع خود و هم پیمانان منطق‌هایش می‌پردازد، حتی با احتساب حمایت این کشور از نیروهای نیابتی‌اش در سوریه، عراق، لبنان و یمن در این رابطه هزینه و تلفات به مراتب کمتری متحمل شده است» (ostvar, 2018). شبکه بازدارنده ایران در غرب آسیا از اهداف آشکار، شیوه عمل و سطح عملیاتی پیچیده‌ای برخوردار است. به همین خاطر پرداختن به جملگی آن‌ها در این مقال میسر نیست. سعی بر آن است که مهم‌ترین عناصر این شبکه بررسی شود. نکته دیگر اینکه بیشتر عواملی بررسی می‌شود که مطابق با تحلیل‌ها از ظرفیت بازدارندگی قابل توجه میدانی برخوردار هستند.

**حشد الشعبی:** غافلگیری و ناتوانی شدید نیروهای نظامی، اطلاعاتی، ارتش و پلیس فدرال عراق در برابر ظهور داعش و متعاقب آن سقوط چند شهر راهبردی، بهره‌گیری از پتانسیل نیروهای بسیج مردمی<sup>۳</sup> را اجتناب‌ناپذیر ساخت. به همین خاطر با همکاری ایران و استقبال گسترده مردم یگان‌هایی به نام حشدالشعبی تشکیل شد. حشد الشعبی در ادامه فعالیت خود رابطه نزدیک‌تری با ایران برقرار ساخت. ایران نیز در توانمندسازی این گروه نقش برجسته‌ای ایفا کرده است. از ماه جولای ۲۰۱۴ تاکنون تخمین زده شده که ۶۷ گروه نظامی زیر نظیر نیروهای بسیج مردمی عراق تشکیل شده که نزدیک به ۴۰ گروه آن‌ها با سپاه قدس ایران در ارتباط هستند. اگر چه بسیاری از تحلیل‌گران بر این اعتقادند که حشدالعشبی عمدتاً توسط نیروهای شیعه تشکیل شده است با این وجود نیروهای زیادی از جماعت اهل تسنن، مسیحیان، یزیدی‌ها و ترکمن‌ها به عضویت حشد الشعبی در آمده‌اند. استقبال نسبت به این گروه در عراق به شدت بالا است تا حدودی که دولت

1. Networks of Influence  
2. Afshon Ostovar  
3. Popular Mobilization Forces

عراق اعلام کرده تعداد نیروهای این سامان بین ۱۱۰ تا ۱۲۲ هزار نفر است. حدود ۵۰ هزار نفر از این گروه در سه سازمان بدر، عصائب اهل حق و کتائب حزب الله زیر نظر نیروهای برون مرزی ایران آموزش های لازم را کسب کرده اند. به علاوه موفقیت حشدالشعبی در سرکوب گروه های تروریستی منجر به حمایت مقام های بلند پایه عراق از جمله عمار حکیم و همچنین آیت الله سیستانی شده است (heras,2017:2). رژیم صهیونیستی با وقوف به ارتباط میان ایران و گروه حشدالشعبی پس از نابودی داعش در عراق برخی مواضع این گروه را با حملات هوایی هدف قرار داده است. این حملات حاکی از این است که این رژیم اهرم های بازدارنده ایران از عراق گرفته تا لبنان را تهدیدی قریب علیه منافع و موجودیت خود قلمداد می کند (nationalinterest,2019).

**حزب الله لبنان:** حزب الله لبنان با قدرت مانوردهی و پتانسیل ویژه در عملیات ها جزء متحدان درجه اول و برجسته منطقه ای ایران است. ایران طیف وسیعی از حمایت های مالی، سیاسی، آموزشی و پشتیبانی را برای این گروه فراهم ساخته است. حزب الله اکنون حائز یک جایگاه سیاسی و قانونی در لبنان است. اسرائیل دشمن اصلی حزب الله است. حملات نامتقارن علیه اسرائیل در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، و درگیری بزرگ در سال ۲۰۰۶ به مرور این حزب را به عنوان یک کنشگر پیچیده و قدرتمند در ساحت منطقه غرب آسیا تبدیل کرد. حزب الله پس از نبرد موفقیت آمیز ۲۰۰۶ به طور پیوسته زرادخانه نظامی خود را افزایش داده است و در سال ۲۰۰۹ در مانیفست ارائه شده تعهد خود را به نابودی اسرائیل مجدد تکرار کرد (Robinson,2020). سید حسن نصرالله رهبر این گروه وعده داده است که هر درگیری که در آینده با حزب الله صورت بگیرد یک نبرد ویرانگرتر خواهد بود. گروه حزب الله بسیار توانا و قابل اعتماد است که در نبردهای غیر کلاسیک و نامتقارن قابلیت های ویژه ای دارد. این گروه در لایه دفاعی سوم ایران قرار گرفته است. به همین خاطر یک عامل بازدارنده و قدرتمند در برابر رژیم صهیونیستی است و با دارا بودن زرادخانه ای بالغ بر صد هزار راکت و موشک اهرم بازدارنده جدی در مقابل اسرائیل است (u.s. department of state,2018:10)، البته باید توجه داشت که قوام لایه سوم و توانمندی حزب الله پیوند تنگاتنگی با تقویت و عدم تلاش جهت جلوگیری از فروپاشی و تسخیر لایه دوم دفاعی در سوریه دارد. با توجه به این مسئله



اسرائیل همواره درصدد تضعیف جایگاه حزب‌الله لبنان بوده است. در همین رابطه جوزف وتل<sup>۱</sup> فرمانده سنتکام در سخنرانی خود تحت عنوان اولویت‌های ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه<sup>۲</sup> می‌گوید: «وقتی من فرمانده سنتکام<sup>۳</sup> شدم بسیاری از مقامات اسرائیلی با من ملاقات کردند و وقتی از آن‌ها در مورد لبنان پرسیدم به من گفتند که بهترین کاری که می‌توانی در مورد لبنان انجام‌دهی حمایت از نیروهای مسلح لبنان است. آن‌ها عقیده داشتند که بهترین راه برای تضعیف حزب‌الله سرمایه‌گذاری در توانایی‌ها و حرفه‌ای شدن نیروهای مسلح لبنان است. یک نیروی مسلح مؤثر، سیاسی و مورد احترام از سوی مردم می‌تواند نیاز کشور به نیروهای حزب‌الله را کاهش دهد» (Votel, 2019). لذا وجود یک نیروی نظامی قدرتمند در کرانه‌های مدیترانه یک مزیت مهم برای ایران و یک چالش جدی برای رژیم صهیونیستی به شمار می‌رود.

**تیپ فاطمیون:** تیپ فاطمیون یا حزب‌الله افغانستان<sup>۴</sup> متشکل از افراد داوطلب افغانستانی به منظور دفاع از حرم‌های اهل بیت است و شکل‌گیری این گروه به بحران سوریه بر می‌گردد. در واقع به موازات تداوم بحران سوریه به صورت فرسایشی و تهدید جدی و نزدیکی گروه‌های تکفیری به حرم حضرت زینت، ۲۲ نفر از نیروهای افغانی در سال ۲۰۱۳ هسته گروهی را تشکیل دادند که امروزه با نام تیپ فاطمیون<sup>۵</sup> یا لواء فاطمیون شناخته می‌شود. تعداد اعضای این گروه اکنون بالغ بر ۱۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ هزار نفر تخمین زده شده است که اکثراً از قوم هزاره هستند، البته باید بیان داشت که در خلال تهاجم شوری به افغانستان لشکری تحت عنوان فاطمیون در دهه ۱۹۸۰ تأسیس شد، از سال ۲۰۱۲ این گروه مجدداً تحت نظارت سپاه قدس احیا شد (Hauch, 2019). اعضای این گروه از قدرت چریکی قابل توجهی در نبردهای نامتقارن برخوردار هستند و با پشتوانه تجربه‌های جنگی در نبرد افغانستان با نیروهای متجاوز شوروی (۱۹۷۹)، و آمریکا (۱۳۸۱)، در بحران سوریه نقش مفیدی ایفا کرده‌اند. حضور تیپ فاطمیون در سوریه نشانگر این پیام است که تقسیم بندی‌های مرزی مانعی برای فعالیت این گروه نیست

1. Joseph Votel
2. U.S. Middle East Priorities
3. Centcom
4. Hezbollah Afghanistan
5. Liwa Fatemiyoun

مبارزان این تیپ مرز خود را آنجایی تعریف کرده‌اند که شیعیان و حرم‌های اهل بیت (ع) در معرض خطر باشند (globalsecurity, 2019).

**تیپ زینیون:** زینیون یا حزب‌الله پاکستان<sup>۱</sup> از دیگر گروه‌های نقش‌آفرین در لایه سوم دفاعی هست که به منظور محافظت از حضرت زینب کبری (س) و به طرفداری و حمایت از دولت مرکزی سوریه تشکیل و به ایفای نقش پرداخته است. این گروه بیشتر متشکل از پاکستانی‌های مقیم ایران و شیعیان ساکن پاکستان است. در همین رابطه در شانزدهمین اجتماع مدافعان حرم با عنوان گرامیداشت شهدای تیپ زینیون و با شرکت بسیاری از داوطلبان جدید مدافع حرم پاکستانی بیانیه‌ای صادر شد که در بخش‌هایی از آن این‌گونه اشاره شده که: «سربازان پولادین اراده تیپ زینیون نیز چون همه مدافعان حرم و حریم اهل بیت (ع) از جبهه مقاومت در سرزمین‌های اشغالی گرفته تا فرزندان جهاد و مقاومت در بحرین و یمن، با استمداد از امدادهای الهی و با اعتماد به وعده راستین او و با نیت لبیک به ندای هل من ناصر حسین زمانشان و خشنودی نائب بر حق ایشان امام خامنه‌ای که چون پدری مهربان و خورشیدی روشن امید و پناهگاه مجاهدان و عدالت‌خواهان سرتاسر جهان هست، در دفاع از آرمان‌ها و مبانی دینی خود به پا خاسته‌اند و تا خشک شدن ریشه‌های کفر و تکفیر و اسلام آمریکائی و رسوایی حامیان و پشتیبانان آن‌ها آرام نخواهند نشست» (خبرگزاری دانشجو، ۱۳۹۵). تیپ زینیون پاکستان به مناسبت نابودی سیطره داعش بر سرزمین‌های اسلامی در پیام تبریکی خطاب به قاسم سلیمانی فرمانده سابق نیروی قدس این‌گونه بیان می‌کنند که: «اینک مفتخریم که رزمندگان سلحشور زینیون با تجربه دفاع در مقابل وهابیان، در سرزمین خود پاکستان با لبیک‌گویی به ولی امر مسلمین جهان و تحت فرماندهی جنابعالی در جبهه مقاومت با آموزه‌های ارزشمند هشت سال دفاع مقدس جانانه از حرم حضرت زینب (س) دفاع نمودند و با پذیرش صحنه‌های خطر و به وجود آوردن حماسه‌های جاودانه، جنگ با داعش را تجربه کرده و بی‌شک آثار این تجارب گران‌سنگ در بدنه این نیروی مقاومت زینیون با درخشندگی به یادگار خواهد ماند» (mashreghnews, 1396).

**انصارالله:** ایران تا پیش از شروع جنگ‌های شش‌گانه حوثی‌ها و دولت مرکزی بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ بازیگر محوری در تحولات کشور یمن به حساب نمی‌آمد و عمده

1. Hezbollah Pakistan

ارتباط ایران با زیدی‌ها در شهر صنعا و بیشتر حول محور مسائل فرهنگی و مذهبی بود. تحولات بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲ در کشورهای عربی منجر به این شد که تهران حمایت از حوثی‌ها و تلاش جهت نقش‌آفرینی و نفوذ بیشتر در کشور یمن را بیش از پیش افزایش دهد. شیعیان حوثی یکی از گروه‌های قدرتمند هستند که به تازگی وارد محور مقاومت اسلامی شده‌اند. آن‌ها یکی از بازیگران اصلی نقش‌آفرین در راهبرد چهار لایه‌ای ایران هستند. این گروه شکست‌های سنگینی به عربستان به عنوان یکی از رقبای منطقه‌ای ایران وارد ساخته‌اند. حوثی‌ها همچنین قادر خواهند بود از طریق عملیات و حملات نامتقارن (abdulzahr and karam,2020) علیه مواضع و نیروهای آمریکایی در دریای سرخ، باب‌المنندب منجر به کاهش توان رزمی آن‌ها در مرزهای ایران شوند. باز شدن یک جبهه جنگی به روی عربستان سعودی به عنوان مهم‌ترین متحد عربی آمریکا، این کشور را برای مدتی از نقش‌آفرینی جدی در لایه‌های بازدارنده ایران در سوریه، عراق و لبنان بازداشته است؛ چرا که این کشور در حیاط خلوت با بحران جدی مواجه است ( vakil and quilliam,2019:16). انصارالله اکنون به لحاظ معنوی وابستگی زیادی به ایران پیدا کرده و حمایت از آن‌ها در طول تجاوز اخیر عربستان در تقویت پیوند آن‌ها با ایران مفید بوده است. محمد عبدالسلام سخنگوی جنبش انصار الله یمن سخنگوی جنبش انصار الله یمن در دیدار با رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌گوید: «ما ولایت شما را امتداد خط پیامبر اسلام (ص) و ولایت امیر المؤمنین (ع) می‌دانیم و مواضع حیدری و علوی شما در حمایت از مردم مظلوم یمن را ادامه خط امام خمینی (ره) و مایه برکت و بسیار روحیه بخش می‌دانیم» (دیدار سخنگوی جنبش انصار الله یمن و هیئت همراه با رهبر انقلاب، ۱۳۹۸/۵/۲۵). نقش‌آفرینی انصارالله در حیاط خلوت عربستان سعودی (ridel,2011:4)، منجر به انحراف نگاه این کشور از ایجاد چالش برای محیط پیرامونی و مجاور ایران شده است.

##### ۵. پیامدهای راهبرد بازدارندگی برون‌مرزی

هر راهبردی که در سطح برون‌مرزی به مرحله اجرا گذارده می‌شود پیامدهایی به دنبال خواهد داشت، از این منظرگاه بررسی و پایش به موقع، دقیق و مستمر محیط به همراه تدوین و عملیاتی‌سازی راهبرد برون‌مرزی و بازخوردگیری از آن ضروری است. شواهد میدانی

حاکی از این است که راهبرد برون‌مرزی ایران پیامدهایی در بخش‌های سیاسی و امنیتی در پی داشته که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

**تقویت عمق استراتژیک:** عمق استراتژیک<sup>۱</sup> یکی از اصطلاحات امنیتی و نظامی رایج در جغرافیای سیاسی و روابط بین‌الملل است؛ این اصطلاح بیشتر ناظر بر میزان فاصله حقیقی میان میدان جنگ و قلمرو ارضی یک کشور است. در حقیقت هنگامی که گفته می‌شود که یک کشوری دارای عمق استراتژیک است مراد این است که آن کشور قادر است تا صحنه نبرد و مقابله با تهدید را از مرزهای سرزمینی خود دور ساخته و به تعبیری جنگ را به زمین حریف برود تا به واسطه فاصله جغرافیایی که ایجاد کرده از میدان اصلی جنگ و به طبع خسارات، آسیب‌های احتمالی تا حد ممکن مصون بماند. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران گسترش عمق استراتژیک است. با توجه به اینکه چهار دهه پیش ایران با عراق به عنوان قدرتمندترین کشور عربی که تقریباً همه همسایگان ایران از آن پشتیبانی می‌کردند، جنگ ویران‌کننده‌ای را انجام داد و با توجه به غافلگیری رخ داده نتوانست از ورود نیروهای مهاجم به خاک کشور جلوگیری کند، لذا با عبرت‌آموزی از چنین دوره‌ای و به منظور تأمین امنیت خود، طرحی را در پیش گرفته که خطوط دفاعی را از مرزهای جغرافیایی دور کند و به طور منظم در تلاش است که عمق استراتژیک خود را افزایش دهد (omidsalar,2016:54). تجاوز عراق به ایران و جنگ تحمیلی هشت ساله هر چند با دفاع مقدس<sup>۲</sup> (Defense Intelligence Agency,2019:7) و توسط یگان‌های رزمی و بسیج مردمی دفع گردید منتها بایسته‌های راهبردی زیادی از جمله تلاش جهت عدم همجواری و حائل‌سازی با دشمن و لزوم دور ساختن عملی منابع تهدید از مرزها را بدیهی ساخت. راهبرد دور ساختن دشمن از مرزهای بین‌المللی و ساختن لایه‌های دفاعی در ماورای سرزمین مادر، یک اصل راهبردی است. در حقیقت کشورهایی که از این توانایی برخوردارند یک سرمایه و مزیت عظیم استراتژیکی دارند. در کشور ایران از این اصطلاح تحت عنوان عقبه استراتژیک یاد می‌شود. مسئله عمق‌بخشی ژئوپلیتیکی یکی از سیاست‌های راهبردی و اولویت‌دار در منظومه دفاعی - امنیتی ایران است که در سپهر استراتژی بازدارندگی برون‌مرزی توانسته موفقیت‌های زیادی کسب کند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این خصوص می‌فرماید که: «یکی از موضوعاتی که می‌تواند مورد بحث و مطالعه قرار بگیرد،

1. strategic depth  
2. Sacred Defense

عمق راهبردی نظام در نگاه به مسائل منطقه است. یک جاهائی یک حوادثی است که می‌تواند مثل ریشه و مایه استحکام یا ریسمان‌های نگهدارنده خیمه، برای داخل کشور به حساب بیاید؛ این‌ها عمق راهبردی است» (بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۲/۰۵/۰۶).

روی هم رفته باید گفت که استراتژی دفاع رو به جلو، حضور برون مرزی و همکاری با نیروهای نیابتی و حمایت دولت‌های متحد، نه تنها منجر به غلبه نسبی بر تصور تنهایی استراتژیک<sup>۲</sup> (perteghella, 2019:31) شده بلکه عمق استراتژیک ایران را به نحو چشمگیری عمق بخشیده است. باید توجه داشت که راهبرد ایران در افزایش عمق استراتژیک خود، تقویت گروه‌های مقاومت بوده است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این خصوص بیان می‌دارند که: «امروز این اتفاق افتاده است. خیمه‌ای که اینجا سرپاست، ریسمان‌ها و میخ‌های عمیقی که این خیمه در سرزمین اسلامی دارد، در کشورهای دیگر کوبیده شده است. ما در ملت‌های گوناگون عمق استراتژیک داریم» (بیانات در دیدار دانشجویان برگزیده و نمایندگان تشکل‌های دانشجویی، ۱۳۸۴/۷/۲۴).

**موازنه نامتقارن با محور تهدید:** در اختیار داشتن پتانسیل نبردهای نامتقارن در ماورای جغرافیایی بری و بحری ایران و موازن با مرزهای دشمنان و رقبای منطقه‌ای یکی از اهداف تصمیم سازان کشور است (Lim, 2012:13-14). راهبرد برون‌مرزی منجر به توسعه عمق نفوذ سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی جمهوری اسلامی در محیط بین‌المللی و منطقه‌ای گشته است. ایران توانسته است با بهره‌گیری از راهبرد بازدارندگی برون‌مرزی رژیم اسرائیل را کیلومترها دورتر از مرزهای جغرافیایی خود محدود سازد. باید توجه داشت یکی از مسائلی که تاکنون آمریکا را از حمله به ایران بر حذر داشته است وجود گروه حزب‌الله در کرانه‌های دریای مدیترانه و در کنار اسرائیل است که در صورت حمله به ایران مورد حمله متقابل و عملیات پیچیده این گروه قرار خواهد گرفت. از این رو شبکه نیابتی ایران یک تهدید و نیروی بازدارنده قدرتمند برای آمریکا و متحدان آن به شمار می‌آوردند (Katzman, 2019:2). مدیریت بحران‌ها در حیات خلوت دیگر کنشگران یک اصل راهبردی است که ایران نیز در تلاش است که به منظور افزایش قدرت بازدارنده خود از آن بهره‌گیرد. به عنوان مثال پروزا پهباد ایران در فضای هوایی رژیم صهیونیستی تاکتیکی برای ترسیم خطوط قرمز<sup>۳</sup> و افزایش

1. forward defense  
2. strategic loneliness  
3. red lines

هزینه‌های این رژیم در صورت تصمیم‌گیری برای مقابله با ایران است (mohseni and ahmadian, 2018) مقامات رژیم صهیونیستی از موازن بودن ارتش ایران با مرزهای خود احساس تهدید شدیدی می‌کنند. در همین رابطه نفتالی بنت<sup>۱</sup> وزیر آموزش پرورش سابق و وزیر جنگ فعلی رژیم صهیونیستی می‌گوید: «اختاپوس یا هشت پای ایرانی در تلاش است ما را خفه کند و روح ما را بشکند» (Goldman and Bruton, 2018: 65). در واقع ایران نه تنها عمق استراتژیک خود را افزایش داده است، بلکه عملاً وارد عمق استراتژیک و حیاط خلوت دیگر رقبا شده است و به وسیله رزمندگان بدون مرز، اهرم دفاعی بازدارنده‌ای در برابر رژیم صهیونیستی و دیگر منابع تهدید دائر کرده است. در همین رابطه حسین سلامی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌گویند: «این حزب‌الله امروز ده‌ها برابر قوی‌تر از جنگ ۳۳ روزه هست. پس امروز اسرائیلی‌ها باید مراقب باشند با حزب‌اللهی مواجه هستند که هم مسلح‌تر، هم مقاومت‌تر، هم مجرب‌تر و هم دارای آرمان بزرگ‌تری است. خطای دیگر آن‌ها را خواهد شکست. امروز آن‌ها می‌توانند صدای لهجه‌های مختلف ملت‌های مسلمان را در کنار مرزهایشان بشنوند، لهجه پاکستانی‌ها، عراقی‌ها، افغانی‌ها، ایرانی‌ها، لبنانی‌ها، سوری‌ها، یمنی‌ها و دیگران را می‌توانند بشنوند.» (mashreghnews, 1398).

**مقابله با تهدید سازمان‌های تروریستی:** ایران بعد از ظهور داعش در عراق و سوریه بلافاصله لایه‌های دفاعی خود را فعال ساخت، چرا که قدرت‌گیری داعش و جبهه النصره را تهدید مستقیمی برای عراق، سوریه، لبنان و مهم‌تر از همه علیه سرزمین خود قلمداد می‌کند. سازمان داعش با نوع عملیات‌ها و نبردهای چریکی و پیشروی‌های اولیه‌ای که داشت در حقیقت بسیار خطرناک و تهدیدی قریب به شمار می‌رفت. از آنجا که عراق با ایران از ناحیه غربی و سوریه با عراق از ناحیه غربی پیوستار جمعیتی و مرزی گسترده‌ای دارد و از آنجا که داعش بخش‌های بزرگی از دو کشور سوریه و عراق را تسخیر کرده بود، لذا این مسئله مرزهای غربی ایران را در معرض احتمال حملات گروه‌های تروریستی قرار داده بود. از این رو طرح نزدیک‌شدن گروه‌های داعش به مرزهای سرزمینی ایران، این کشور را وادار کرد تا تمهیداتی بیاندیشد و از آنجا که با کشیده شدن درگیری‌ها به مناطق مرزی، ضرر و زیان‌های به کشور وارد خواهد ساخت، پس بهتر بود که با دشمن در خارج از مرزهای سرزمینی جنگید و دفاع از کشور را در جبهه کشور همسایه انجام داد (آدمی و کشاورز، ۱۳۹۴: ۱۲).

مقامات ایران بر این اعتقاد بودند که طی سلسله عملیات‌هایی در وهله اول باید از نزدیکی داعش و دیگر گروه‌های تروریستی به مرزهای کشور جلوگیری کرد و در وهله بعدی در صورت نزدیکی به عقب برگردانده شده و به شدت سرکوب شود. بنابراین اقدام رزمندگان بدون مرز برای مقابله با گروه‌های تروریستی یک عنصر امنیت‌ساز است. در همین رابطه عبدالله عراقی رئیس اداره امنیت ستاد کل نیروهای مسلح می‌گوید: «حضور ما در سوریه برای امنیت خودمان بود و ممکن بود که ما درگیر داعش خطرناکی شویم که به هیچ اصول و دینی پایبند نبود. به جای این که با داعش در کرمانشاه بجنگیم به لانه‌شان رفتیم و با داعش جنگیدیم. ما با چنین دشمن بی‌رحمی طرف بودیم که به هیچ اصولی پایبند نبود و اگر در آنجا با آنان نمی‌جنگیدیم باید در کشور خودمان با آنان مقابله می‌کردیم» (mashreghnews, 1398). مقابله با این گروه تروریستی یک مسئله زندگی و مرگ برای ایرانیان است و درصدد این است که از عدم دائر شدن یک موجودیت در مرزهای غربی خود توسط عناصر تروریستی اطمینان حاصل کند (jaffe, 2020). داعش یک نگرانی اساسی برای امنیت ملی ایران بود که نسبت به تمامیت ارضی خود احساس نگرانی و آسیب‌پذیری می‌کند (omidsalar, 2016: 54). ایران به همراه نیروهای دولتی کشورهای هدف و عناصر قوام‌بخش غیردولتی در لایه‌های برون‌مرزی توانست بخش گسترده‌ای از سرزمین‌های تحت تسلط این گروه را باز پس بگیرد. تا جایی که اکنون به طرز قابل توجهی خطر داعش از سرزمین، مرزها و مردم ایران دور شده است. در همین رابطه سایت اسرائیلی ممری اشاره می‌کند که: «در حالی که ائتلاف بیش از ۴۰ کشور به رغم برخورداری از منابع و امکانات عظیم، نتوانست حرکت داعش را مهار کند، مبارزات نیروی قدس و فرماندهی آن نه تنها منجر به تحمیل شکست‌های گوناگون بر داعش گردیده است بلکه منطقه و جهان نیز به نقش برتر و مؤثرتر ایران پی برده‌اند» (memory, 2017).

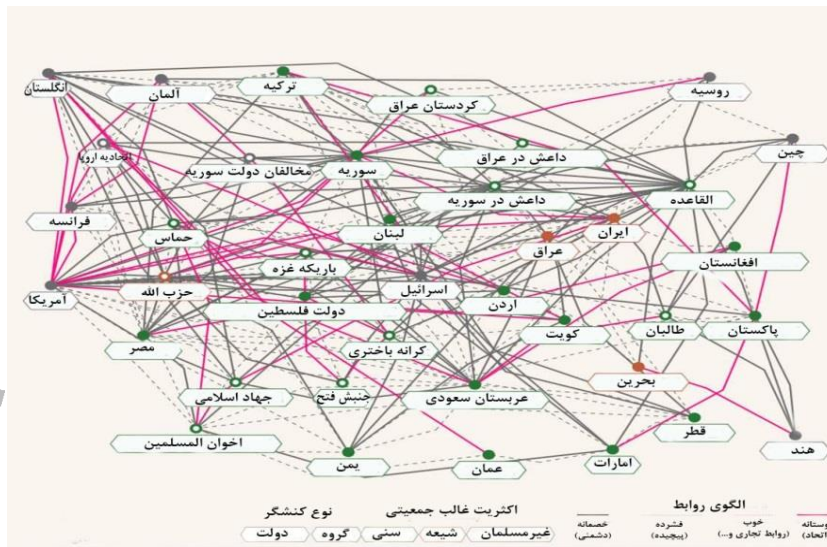
**تقویت امنیت سرزمینی:** ایران در منطقه‌ای قرار گرفته که جنگ، درگیری و ناامنی وجوه بارز آن است و محصور شدن در مرزهای جغرافیایی و ممانعت از قدم نهادن در فراسوی مرزها و عدم مشارکت در پویای امنیتی منطقه، به مثابه این است که منطقه‌ای وسیع در اختیار دشمنان داده شود که در مواقع لزوم به تجهیز و آماده‌سازی نیروهای خود پرداخته و حتی حمله‌ای مستقیم علیه ایران ترتیب دهند. از این نظرگاه توقف در مرزها جغرافیایی در گستره‌ای که گرداگرد آن را بحران قرار گرفته است، نخستین مسئله‌ای است که کنشگران

رقیب و دشمن با مشاهده آن تحریک می‌شوند؛ چرا که جملگی بازیگران تیم ایران باید روی خط دروازه قرار گیرند. چنین اسراتژی در مقوله «شروع دفاع از مرز» و «دفاع در خانه» قرار گرفته و راهبرد مناسبی برای کشور ایران نیست. توقف در مرزها مواضع مهاجمانی نظیر آمریکا، اسرائیل و تروریسم را قدرتمندتر می‌سازد. مقامات ایران با وقوف نسبت به این مسئله در تلاش بوده‌اند تا اهرم‌های بازدارنده دیگری در مجاورت مرزها و همچنین حیاط‌خلوت مهاجمان احتمالی ایجاد کنند. باید توجه داشت که استقرار خاک‌ریز در مرزهای حقیقی اگر چه می‌تواند از ورود عناصر مهاجم جلوگیری کند متنها با توسعه صنعت موشکی و سلاح‌های متعارف و غیرمتعارف، دشمن قادر است راحتی مناطق مرزی و حتی شهرهای مرکزی را ناامن سازد. در شرایط کنونی ایران قادر شده که حاشیه امن و منطقه حائلی را بین سرزمین خود و تهدیدات متصور از سوی نواحی غربی برقرار نمایند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این خصوص می‌فرماید: «میهن عزیز ما یک بخش مهمی از امنیتش محصول کار همین جوانان مؤمنی است که در زیر فرماندهی سردار شهید عزیزمان - قاسم سلیمانی - سال‌ها کار کردند، تلاش کردند؛ این‌ها امنیت آوردند، برای کشور هم این‌ها امنیت می‌آوردند؛ به کمک فلسطین و غزه و دیگر مناطقی که به وجود آن‌ها نیاز هست می‌روند اما برای کشور خودمان امنیت ایجاد می‌کنند» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در نماز جمعه ۱۰/۲۷/۱۳۹۸).

#### ۶. تجزیه و تحلیل بحث

منابعی از جمله مجاورت جغرافیایی، قدرت تهاجمی، قابلیت‌های تهاجمی و اهداف خشونت‌آمیز رقبا و دشمنان، جملگی در مرزهای غربی ایران وجود دارد. متناسب با این وضعیت ایران به شدت تصور تهدید کرده و الگوهای ویژه سیاسی - امنیتی به منظور مقابله با تهدیدات ناشی از سیاست‌های تقابلی جویانه محور تهدید غربی، عبری و عربی و تکفیری تدوین و عملیاتی ساخته است. شبکه رقابت و موازنه قوا در منطقه غرب آسیا به شدت پیچیده است. هر کنشگری قادر به عملیاتی ساختن اسراتژی‌ها و پیشبرد منافع خود در درون این شبکه تهدیدآمیز و به شدت رقابتی نیست. توجه به این شبکه در ارزیابی جایگاه و میزان موفقیت یا شکست اسراتژی بازدارندگی برون‌مرزی در منظومه سیاست خارجی ایران مهم است. نمودار ذیل نشان دهنده الگوی پیچیده روابط میان کنشگران در منطقه غرب آسیا است.





source: <http://dovecotstudio.tumblr.com,2018>

نمودار ۱. الگوهای روابط میان کنشگران در غرب آسیا

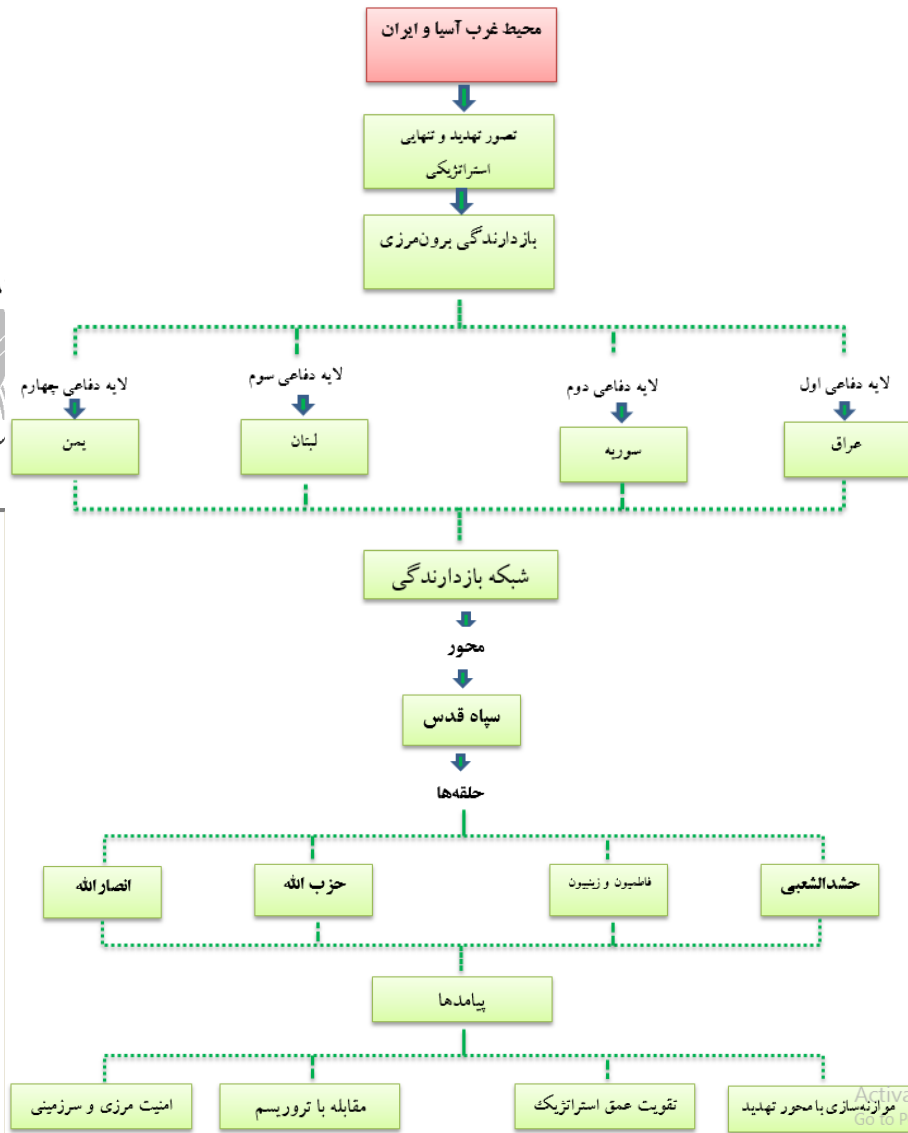
هرگونه تحلیل ژئوپلیتیکی از بازی قدرت در منطقه غرب آسیا باید مبتنی بر درک بهتر رقابت‌های ژئوپلیتیکی باشد. تأمل در نمودار در هم تنیده فوق در وهله اول پیچیدگی معادله قدرت، رقابت ژئوپلیتیکی و دشمنی در غرب آسیا را نشان می‌دهد. متتها ایران به پشتوانه قدرت داخلی و همچنین بهره‌گیری از راهبرد بازدارندگی برون‌مرزی به عنوان یک رویکرد حائل‌ساز با دشمن مغلوب این شبکه نشده است. واقعیت این است که کشورهای غربی همواره از سیاست‌های ایران ناراضی بوده و آن را خلاف منافع منطقه‌ای و جهانی خود قلمداد می‌کنند. بنابراین به صورت مستمر مسئله حمله نظامی با شعاری تحت عنوان پایان رسمی ایران<sup>۱</sup> را مطرح می‌کنند. متتها قدرت داخلی ایران و اهرم‌های بازدارندگی برون‌مرزی و باز کردن جبهه‌های جدیدی به روی این کشورها آن‌ها را از حمله نظامی علیه ایران مردد ساخته است؛ سپاه قدس به عنوان محور و حلقه‌های حزب‌الله، حشدالشعبی، زینبیون و فاطیمون و انصارالله یمن نقش برجسته‌ای در کاربست بازدارندگی نامتقارن ایران ایفا می‌کنند. اکنون هم‌پیمانان غیردولتی ایران در سطح منطقه غرب آسیا قادر هستند تا مواضع کشورهای متهاجم را در سطح وسیع مورد حمله قرار دهند و حتی در صورت حمله محدود یا وسیع به

1. official end of Iran

سرزمین مادر، جنگ‌های طولانی مدتی را علیه منبع خطر رقم بزنند. لذا به باور بسیاری از اندیشمندان و سیاست‌گذاران غربی با توجه به اینکه ایران از یک سو توانایی‌های نظامی ویژه‌ای کسب کرده است و از سوی دیگر هم‌اکنون بسیاری از اهداف و سیاست‌های منطقه‌ای خود را به هم‌پیمانان غیردولتی و اسپاری کرده است در نتیجه حمله علیه ایران یک اشتباه برگشت‌ناپذیر<sup>۱</sup> با پیامدهای نامعلوم و غیرقطعی خواهد بود (saleh,2019). به همین خاطر ایران در پرتو یک راهبرد رو به جلو دشمنان را خارج از فضای سرزمینی خود متوقف ساخته است. از این نظرگاه راهبرد بازدارندگی برون‌مرزی با هدف کسب امنیت برای سرزمین اصلی در بحران‌های اخیر سوریه و عراق به محک آزمایش گذارده شده و اهمیت و ضرورت آن در دفع تهدید و خطر گروهک‌های تروریستی روشن گردید. لازم به ذکر است که کشورهای غربی به ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی و متحدان عربی آن یعنی عربستان و امارات با توجه به اینکه استراتژی بازدارندگی برون‌مرزی ایران را ترجمانی از کاهش و تضعیف موقعیت منطقه‌ای خود قلمداد می‌کنند، در صدد ایجاد اختلال در این لایه‌ها هستند. حملات اخیر به مواضع گروه‌های همسو با ایران نظیر حشدالشعبی در عراق و نهایتاً ترور سردار قاسم سلیمانی فرمانده نیروهای سپاه قدس و ابومهدی مهندس نشان از این دارد که از سویی این راهبرد تاکنون از دامن پراکنی کنترل نشده منابع تهدیدجولوگیری کرده بود، لذا هدف آن‌ها از چنین اقدامی تخریب لایه بازدارنده اول یعنی عراق است. در صورت فقدان چنین لایه‌های امنیتی، ایران با دشمنان خارجی خود در همسایگی قرار می‌گرفت و بسیار محتمل بود با نفوذ در لایه‌های امنیتی - دفاعی برخی آسیب‌های انسانی و مادی به کشور وارد سازند، متتها بازیگران حاضر در محور تهدید واقف هستند که در صورت حمله به سرزمین ایران با لایه‌های دفاعی و بازدارنده مختلفی در مناطق همجوار خود مواجه می‌شوند. لذا در صورت شروع نبرد، صحنه درگیری غالباً به حیاط خلوت آن‌ها کشیده خواهد شد. از این رو محتمل است که از کنش‌های مستقیم علیه ایران اجتناب کنند (bodansky,2019:7). همین مسائل باعث شده که ایران جایگاه برجسته‌ای برای راهبرد برون‌مرزی قائل باشد و تقویت چنین سامانه دفاعی را یکی از اصول راهبردی خود در غرب آسیا قلمداد کند. حسین سلامی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این خصوص می‌گوید: «ما فلسطینی‌ها، لبنانی‌ها، سوری‌ها را بیش از گذشته تقویت می‌کنیم، از یمن و بحرین و افغانستان و جاهای مختلف بهتر از گذشته دفاع می‌کنیم» (mashreghnews,1398). در ذیل مدل نهایی مقاله ارائه می‌گردد.

1. irreversible mistake

مدل ۱- جایگاه و پیامدهای راهبرد بازدارندگی برون‌مرزی در منظومه سیاسی و دفاعی ایران



### نتیجه گیری

واحدهای سیاسی در تلاش هستند تا با بهره‌گیری از ایده‌های مناسب و کاربست به موقع و دقیق آن، سرزمین خود را از تهدیدات خارجی محتمل و متصور مصون سازند؛ اما تنها تعداد اندکی از کنشگران قادر خواهند بود ایده‌های تدوین‌شده را در عرصه عمل پیاده کنند، تاکنون برخی در این راه موفق شده و عده‌ای نیز هنگام اجرای ایده‌ها شکست خورده‌اند. سیاست‌مداران و دانشمندان علم ژئوپلیتیک در تلاش هستند تا ایده‌های امنیتی - دفاعی خود را در نهایت دقت انتخاب کرده و کاربست دهند؛ زیرا واقف هستند که پایه‌ای‌ترین و برجسته‌ترین کار ویژه‌ای که در وهله اول توسط مردم از آن‌ها مطالبه می‌شود برقراری امنیت سرزمینی پایدار است. تابعان یک سیستم سیاسی انتظار دارند تا امنیت بیشینه‌ای را برای آن‌ها فراهم سازند تا در سایه آرامش، ثبات و هم‌راستا با خدمات عمومی ارائه‌شده توسط دولت فعالیت‌های توسعه‌ای، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را انجام دهند. ایران به لحاظ جغرافیایی در گستره‌ای واقع شده است که گرداگرد آن را دولت‌های شکننده و ناآرام فراگرفته و از سوی دیگر کنشگران فرمانطقه‌ای نظیر آمریکا در وهله اول سعی در ناامن‌سازی کشورهای اطراف و در مرحله بعدی هم‌جواری با مرزهای جغرافیایی ایران و سپس ایجاد بحران‌های امنیتی در کشور را دارند. خوانش و تصور مقامات تصمیم‌ساز ایران نسبت به گستره غربی کشور به شدت تهدید آمیز است. در سپهر چنین محیط پرآشوب و تهدیدآفرینی مقامات تصمیم‌ساز متولی امور دفاعی به منظور مقابله با منابع تهدید و برقراری امنیت، راهبردها و تاکتیک‌های زیادی نظیر بازدارندگی برون‌مرزی را تدوین و به مرحله آزمایش گذارده‌اند. سؤال اصلی پژوهش این بود که راهبرد بازدارندگی برون‌مرزی چه جایگاهی در منظومه سیاست دفاعی - امنیتی ایران در غرب آسیا دارد؟ استراتژی سنگربندی برون‌مرزی به مثابه یک پدافند هدفمند و بازدارنده با هدف دفاع در مقابل عناصر تهدیدکننده و در نهایت افزایش عمق امنیتی ایران طرح شده است. این راهبرد متشکل از چهار لایه دفاعی در عراق، سوریه، لبنان و یمن بوده و ایران در سپهر نقش‌آفرینی محور شبکه یعنی سپاه قدس و حلقه‌هایی به هم پیوسته نظیر حشد الشعبی، حزب‌الله، فاطمیون و زینبیون و انصارالله این الگو را در غرب آسیا کاربست داده است. هدف کلان راهبرد بازدارندگی برون‌مرزی، حائل‌سازی با منابع خطرآفرین و عقب راندن تهدیدات پیش روی ایران با

استفاده از شبکه‌های نیابتی تحت حمایت و هدایت است. بازدارندگی چهارلایه‌ای برون‌مرزی به عنوان یک راهبرد کلان بر طبق رویکرد دفاع از دور منجر به این شده که مرزهای ایران صرفاً جغرافیایی و محدود کننده نباشد بلکه مرزهای ژئوپلیتیکی مبنای عمل قرار گیرد. ایران نیز به مانند دیگر کشورها در تلاش است که از موازن بودن عناصر چالش برانگیز با مرزهای رسمی خود جلوگیری کند. کاربست راهبرد مذکور از یک سو منجر به افزایش عمق استراتژیک و امنیت سرزمینی مرزی شده است، از سوی دیگر همین راهبرد نقش پایه‌ای در خنثی‌سازی نسبی اهداف و طرح‌های تهاجمی آمریکا، رژیم صهیونیستی، سازمان‌های تروریستی - تکفیری و گروه‌های نیابتی عربستان جهت همجواری و ناامن‌سازی مرزهای ایران شده است. چنین پیامدهای مطلوبی باعث شده تا راهبرد بازدارندگی برون‌مرزی در منظومه سیاسی و دفاعی ایران جایگاه برجسته داشته باشد و ضرورت توجه به این راهبرد و تقویت عناصر قوام‌بخش آن یکی از خطوط قرمز منطقه‌ای تلقی شود.

#### منابع

- آدمی، علی و کشاورز مقدم (۱۳۹۴)، «جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام**، دوره ۴، شماره ۲، صص ۱۹-۱.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۰)، **نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای**، تهران: نشر میزان.
- قاسمی، فرهاد و دیگران (۱۳۹۷)، «عربستان سعودی و بازدارندگی شبکه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال بیست و یکم، شماره سوم، شماره ۸۱، صص ۱۶۰-۱۳۵.
- عباسی، ابراهیم و دیگران (۱۳۹۵)، «الگوی امنیتی بازدارندگی در تنگه هرمز و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، **پژوهش‌های راهبردی سیاست**، سال پنجم، شماره ۱۷، شماره پیاپی ۴۷، صص ۸۰-۵۹.
- فتحی، محمدجواد و جهانبین، فرزاد (۱۳۹۸)، «تبیین بحران ژئوپلیتیکی یمن: عوامل و بازیگران»، **فصلنامه سیاست جهانی**، دوره ۸، شماره ۱، صص ۲۲۸-۱۹۳.

- vatanka,alex (2018), iran's use of shi'i militant proxies ideological and practical expediency versus uncertain sustainability,the middle east institute,policy paper.
- Katzman, Kenneth (2019), Iran's Foreign and Defense Policies, Congressional Research Service,R44017.
- Fulton,Will and others (2013), Iranian strategy in Syria,isw,institute for the study of war,praescient analytics.
- byman,daniel and moller,sara (2016), the united states and the middle east:interests, risks and costs,sustainable security:rethinking american national security,the tobin project.
- bassiri,aniseh and pantucci,Rafael (2016), understanding iran's role in the syrian conflict,rusi,occasional paper.
- vakil,sanam and quilliam,neil (2019), getting to a new iran deal a guid for trump, washinton,tehran, europe and the middle east, middle east and nort africa programme,research paper.
- khan,shahedul (2010), good governance and national security, biiss journal, vol. 31, no. 4.
- rajmil,Daniel (2015), the middle east; deterrence and nuclear deterrence,journal of the spanish institute for strategic studies,no,6.
- gisselquist,Rachel (2012), what does good governance mean?policy paper, the united nations university (unu).
- ali,Muhammad (2013), governance and good governance: a conceptual perspective, the dialogue,volume x number 1.
- jolfers,Arnold (1962), national security as an ambiguous symbol,political science quarterly (new york),no.67.
- heras,Nicholas (2017), iraq's fifth column: iran's proxy network,the middle east institute, policy paper,2017-02
- perteghella,annalisa (2019), Iran in iraq and syria: be careful what you wish for, italian institute for international political studies,policy paper,commentary.
- sadjadpour,karim (2018), iran's unwavering support to assad's syria,combating terrorism center,syria special issue, volume 6, issue 8.
- Uskowi,Nader (2018), "Examining Iran's Global Terrorism Network",Washington Institute for Near East Policy,available at:www.washingtoninstitute.org/uploads/Documents/testimony/uskowitzestimony20180417.pdf
- yan,holly (2013), "syria allies:why russia, iran and china are standing by the regime", available at: <https://edition.cnn.com/29/08/1013/world/meast/syria-iran-china-russia-supporters/index.html>
- nationalinterest (2019), why iraq is ripe for conflict with israel, available at: <https://nationalinterest.org/blog/buzz/why-iraq-ripe-conflict-israel-75956>.
- Globalsecurity (2019), yemen / houthi missiles,available at:<https://www.globalsecurity.org/wmd/world/yemen/index.html>
- bodansky,yossef (2019), has iran won the war for the middle east?available at: <https://oilprice.com/geopolitics/middle-east/has-iran-won-the-war-for-the-middle-east.html>

ridel,bruce (2011), "brezhnev in the hijaz, the national interest", available at:  
<https://nationalinterest.org/article/brezhnev-the-hejaz-5733>  
barnard,anne and others (2018), "iran,deeply embedded in syria,expands‘axis of  
resistance", new york times,available at:  
<https://www.nytimes.com/2018/02/19/world/middleeast/iran-syria-israel.html>.  
abdul-zahra, qassim and karam,zeina (2020), "us kills iran’s most powerful general  
in baghdad airstrike", available  
at:<https://apnews.com/5597ff0f046a67805cc233d5933a53ed>.  
deghanpisheh,babak (2020), "who was qassem soleimani?", available at:  
<https://thewire.in/world/who-was-qassem-soleimani>